

## بررسی رابطه بین هوش مالی مدیران و کیفیت حسابرسی با نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حسابرسان

### امین نوشادی

دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.  
noshadi\_amin@yahoo.com

### عطالله محمدی ملقرنی

استادیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)  
ata.mm@iausdj.ac.ir

### ایرج نوروش

استاد حسابداری، گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.  
inorvesh@ut.ac.ir

### پیمان امینی

استادیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.  
p.amini@uok.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۴

### چکیده

تحولات چند دهه اخیر مدیریت بنگاه‌های اقتصادی، چالش‌هایی را فرا روی مدیران قرار داده است که نادیده گرفتن و عدم شناسایی آنها منجر به حذف از عرصه رقابت می‌شود. پیدایش شتاب‌آمیز این تحولات و پیچیدگی فعالیت‌های کنونی شرکت‌ها علاوه بر ضرورت توانمندی مهارت‌های مالی مدیران امروزی در راستای اتخاذ تصمیمات بهینه، ارائه گزارش با کیفیت حسابرسی به جامعه را نیز ضروری ساخته است. پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین هوش مالی مدیران و کیفیت حسابرسی (تخصص حسابرس در صنعت، شهرت مؤسسه حسابرسی، مدت تصدی حسابرس و وجود واحد حسابرسی داخلی) با نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حسابرسان می‌پردازد. رفتار اخلاقی حسابرسان و هوش مالی مدیران با پرسشنامه محقق ساخته سنجیده شده و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از اطلاعات ۱۱۰ شرکت منتخب انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابرسی با هوش مالی مدیران شرکت‌های مورد مطالعه رابطه معنادار و مثبتی دارد و رفتار اخلاقی حسابرسان نیز شدت این رابطه را تقویت می‌کند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد انتخاب حسابرس با حسن شهرت، افزایش دوره تصدی حسابرس، حسابرس متخصص و وجود حسابرس داخلی با هوش مالی مدیران ارتباط دارد و رفتار اخلاقی حسابرسان بر رابطه کیفیت حسابرسی و هوش مالی مدیران تأثیر مثبتی دارد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابرسی، رفتار اخلاقی حسابرسان، هوش مالی مدیران.

## ۱- مقدمه

مالی رفتاری<sup>۱</sup> رویکردی نوین در مقابل رویکرد کلاسیک به تصمیم‌گیری‌های مالی است. رفتار مالی حاصل تشریح مساعی بین علوم مالی و علوم اجتماعی است و این رویکرد باعث ژرف‌تر شدن دانش مدیران و درک شرایط فعلی آنها از عرصه رقابت می‌شود. مالی رفتاری به دنبال تأثیر فرآیندهای روانشناختی در تصمیم‌گیری است و یکی از مهم‌ترین مفاهیم تلفیق دهنده‌ی جنبه‌های شناختی مانند تفکر و غیر شناختی مانند تصمیم‌گیری، هوش مالی است. در واقع، هوش مالی بخشی از هوش افراد است که می‌تواند موضوعات مربوط به مسائل و مشکلات مالی را شناسایی و آن را حل کند. هوش مالی به معنی شناسایی و دسته‌بندی مفاهیم مرتبط با تصمیم‌گیری و انبوهی از داده‌های اقتصادی و تجاری است که فرد را قادر می‌سازد تا بهترین عملکرد را با تحلیل گزینه‌های مختلف داشته باشد (بسیدور و همکاران،<sup>۲</sup> ۱۹۹۷). افزایش هوش و مهارت‌های مدیریت مالی می‌تواند هم بر افزایش میزان سود مصرف‌کنندگان و هم بر شناخت مشکلات ناشی از تعدد سرمایه‌گذاری‌های موجود در بازار کمک کند. از سوی دیگر کسانی که پایین‌ترین سطح تحمل ریسک را دارند ممکن است نیاز بیشتری به آموزش‌های مالی داشته باشند (گاندر و گرسکی،<sup>۳</sup> ۲۰۱۲).

یک سیستم نظارتی مالی خوب، مدیریت مالی موفق را نیز به همراه خواهد داشت و این شامل دریافت اطلاعات مالی است تا بینش فرد را نسبت وضعیت مالی فراهم کند (بینشیان و دهدار،<sup>۴</sup> ۱۳۹۷). در مقابل حسابرسی به عنوان یک ساز و کار اجتماعی برای کمک به نظارت و کنترل رفتار مدیران و به عنوان ابزار نظارتی دولت‌ها به شمار می‌رود؛ حسابرسی به عنوان داور بی‌طرف و مستقل در روابط اقتصادی، قراردادهای و کاهش مخاطرات بالقوه اطلاعات عمل می‌کند و اطمینان خاطر و آرامش تصمیم‌گیران و عموم جامعه را فراهم می‌آورد. البته جایگاه حرفه حسابرسی خود نیازمند کسب اعتماد عمومی است و وظیفه اصلی حسابرسان ارائه گزارش حسابرسی با کیفیت به جامعه است (بی‌یر و گاتمن،<sup>۴</sup> ۲۰۱۲).

دی‌آنجلو<sup>۵</sup> (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را به عنوان احتمال ارزیابی بازار از تحریف‌های موجود در صورت‌های مالی که توسط حسابرسان کشف و گزارش شده است، تعریف نمود و تا به امروز اکثر تعریف‌های کیفیت حسابرسی به رغم تفاوت‌ها، برخی از ویژگی‌های دی‌آنجلو را منعکس می‌کنند. به عقیده بسیاری از پژوهشگران مشکل این مفهوم چند بُعدی در حسابرسی، دامنه گسترده و متنوع آن است. به طوری که تا کنون تعریف جامعی از کیفیت حسابرسی ارائه نشده است. در

اکثر تعاریف به صورت غیرمستقیم کیفیت حسابرسی با استقلال و صلاحیت‌های حسابرسان مرتبط است. بهبود هر چه بیشتر کیفیت گزارش حسابرسی می‌تواند پاسخی مناسب به انتقادهایی باشد که امروزه حسابرسان به علت فروپاشی شرکت‌های مطرح و رسوایی‌های مالی و لغزش‌های اخلاقی با آن مواجه‌اند. به منظور ارتقاء سطح کیفی گزارش حسابرسی، توجه به قضاوت حرفه‌ای حسابرسان و چگونگی برخورد آنها با جامعه و شرکت‌های مورد رسیدگی بسیار حیاتی است (حساس یگانه و آذین‌فر،<sup>۶</sup> ۱۳۸۹). در این بین، شناخت مؤلفه‌های حسابرسی در راستای افزایش کیفیت حسابرسی و همچنین توجه به اینکه حسابرسان به چه میزان به معیارهای والای اخلاقی پایبند هستند (همسوسازی رفتار اقتصادی در جهت رفتار اخلاقی)، تلاشی است در جهت اعاده حیثیت حرفه حسابرسی که در سال‌های اخیر خدشه‌دار شده است. این زنگ خطر که در دهه‌های اخیر به صدا درآمده است، ضرورت توانمندسازی مدیران در راستای انتخاب‌های اثرگذار را آشکار می‌کند. از جمله چالش‌های امروزی شرکت‌ها در عصر مدرن کنونی نیاز رو به‌افزون مهارت‌های مختلف مدیران آنهاست. یکی از این مهارت‌های فردی، هوش مالی است که مدیر با بهبود انتخاب‌های بهینه‌ی خود می‌تواند هزینه‌ی سرمایه‌گذاری شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. توانمندسازی مدیران در این خصوص، درک مدیران را از جنبه‌های با اهمیت این شاخص هوش را افزایش و می‌تواند به عنوان یک مؤلفه‌ی نوین در خلق ثروت برای ذینفعان شرکت در عرصه رقابت، اثرگذار باشد.

در پژوهش حاضر برای سنجش رفتار اخلاقی حسابرسان و هوش مالی مدیران امروزی شرکت‌ها با توجه به ادبیات و پژوهش‌های پیشین از پرسشنامه محقق ساخته و برای ارزیابی کیفیت حسابرسی از چهار متغیر تخصص، شهرت، دوره تصدی حسابرسان و وجود حسابرسی داخلی استفاده شده است.

## ۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

## ۲-۱- هوش مالی مدیران

پیدایش پدیده‌های جدید و یا تحولات وسیع در پدیده‌ها، در برخی موارد باعث شکل‌گیری مفاهیم جدیدی می‌شود و یا مفاهیم قبلی، تحول یافته و شکل و اهمیت جدیدی به خود می‌گیرد. در عصر حاضر، با شکل‌گیری نوع جدیدی از تحولات اقتصادی و مالی، لازم است افراد از آگاهی‌ها و توانمندی‌های خاصی، برای مواجهه با پیچیدگی‌های به وجود آمده، برخوردار باشند. در چنین شرایطی، با وجود تنوع، پیچیدگی بازارهای مالی و تحولات سریع در آن، داشتن مهارت و روش‌های مدیریت امور مالی، برای جمع‌آوری تجزیه و تحلیل و استفاده

مایر<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۰) هوش به توانایی استدلال انتزاعی و محاسبات ذهنی گفته می‌شود که طبق قواعد خاصی انجام می‌شود. استرنبرگ<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۷) با در نظر گرفتن دیدگاهی متفاوت، بر جنبه‌های بیولوژیکی و تکاملی تأکید می‌کند و اظهار می‌دارد که هوش به معنای توانایی‌های ذهنی لازم برای تطابق، گزینش و شکل‌دهی در هر زمینه محیطی است و موجب انعطاف‌پذیری در موقعیت‌های چالشی می‌شود. پلینن و همکارانش<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۱) هوش و قابلیت مالی افراد را تحت تأثیر ۳ عامل می‌دانند:

- ۱) دانش و درک مالی : دانش و درک مالی به معنی آن است که یک شخص فرم‌ها، عملیات و نحوه استفاده از پول و خدمات مالی را می‌شناسد و درک می‌کند. دانش و درک مالی یعنی این‌که فرد از درآمد در دسترس خود آگاه باشد یعنی بدانند چه مقدار پول را باید مصرف کرده و چه مقدار را باید پس‌انداز کند.
- ۲) مهارت‌ها و شایستگی‌ها : مهارت‌ها و شایستگی‌های مالی فوت و فن‌هایی است که خود را در اعمال و عادت‌های مدیریت مالی که در طول زمان شکل گرفته‌اند نشان می‌دهد.
- ۳) مسئولیت‌پذیری : افرادی که از لحاظ مالی مسئولیت‌پذیرند، در هنگام اتخاذ تصمیمات مالی، افراد دیگر مانند اعضای خانواده، خویشاوندان و دوستان را هم در نظر می‌گیرند.

آنها توسعه قابلیت مالی را تحت تأثیر یک‌سری متغیرهای درونی و بیرونی می‌دانند. عوامل درونی شامل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (مانند جنس، سن، تحصیلات، فاز زندگی) و ذهنی (مانند ارزش‌ها، نگرش‌ها، ترجیحات و عادات) فرد می‌باشد. عوامل بیرونی هم، شامل عواملی در محیط‌های خرد و کلان (مانند فرهنگ، تورم، و زیرساخت‌ها) می‌باشد.

اما ابداعات مالی چند دهه اخیر و ارائه ابزارهای مالی کارآمد به منظور مدیریت ریسک و طراحی استراتژی‌های مقابله با ریسک، تحولات و چالش‌های بی‌سابقه‌ای که طی دو دهه اخیر مدیریت بنگاه‌های اقتصادی ایران با آن مواجه شده‌اند، نشان می‌دهند که مدیران برای شناخت و درک بهتر شرایط ریسک، علاوه بر مهارت‌های عقلایی به مهارت‌های شهودی به ویژه هوش مالی نیز نیاز دارند. هوش مالی مرتبط با تصمیمات مالی است و رابطه‌ای بین هوش مالی و رفتارهای افراد وجود دارد (شعاعی‌فرد و دوستار، ۱۳۹۳). مالی رفتاری، مطالعه چگونگی تفسیر افراد از اطلاعات برای اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری آگاهانه می‌باشد (خواجوی و قاسمی، ۱۳۸۴). درک مفاهیم و مهارت‌های مرتبط با سواد و هوش مالی به

اطلاعات مالی و در یک کلام، داشتن سواد مالی، ضروری خواهد بود. سواد مالی، مجموعه دانش درک امور مالی است که شامل بررسی پدیده‌های مالی، ماهیت، قوانین و روابط حاکم بر آن می‌باشد (ون‌روژ و لوساردی<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۱). در دنیای مدرن امروز، بدون توانایی درک مسائل مالی و دانستن الفبای اقتصاد و امور مالی و داشتن دانش مالی، موفقیت سرمایه‌گذاری غیر ممکن است. دانش مالی، مفهوم گسترده‌ای شامل اطلاعات و رفتار افراد برای برخورداری از موقعیت امن مالی آتی است (میلر<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۹).

در این خصوص سواد مالی توسط بنیاد مالی تحقیق در آموزش انگلستان به شرح ذیل تعریف شده است : " توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر در استفاده از منابع پولی و مدیریت آن " ( کامیل و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۴).

افراد ممکن است زمانی که با گزینه‌های مختلف تصمیم‌گیری مواجه هستند، مطابق نظریه‌های عقلانیت اقتصادی عمل کنند و این امر، بدون داشتن سواد مالی کافی ممکن است منجر به تصمیم‌گیری بهینه مالی نشود ( کمیل<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۶).

گریگیون پوتریچ و همکاران<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۶) در مقاله‌ی خود سواد مالی را در قالب یک الگوی مفهومی تبیین کرده‌اند. آنها نشان دادند که الگویی از سواد مالی با سه مؤلفه‌ی رفتار مالی، دانش مالی و نگرش مالی قابل اندازه‌گیری است. به طور کلی تعریف استاندارد سواد مالی «داشتن دانش، مهارت و اعتماد به نفس جهت تصمیم‌گیری‌های مالی مؤثر است» (آلتمن<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۲). اما در عصر کنونی ارزش و ارزش‌آفرینی اندیشه جدید فعالان اقتصادی است که در چارچوب آن، وظایف مدیریت شکل گرفته و معنای جدیدی یافته است به طوری که فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها بدون اندیشه و عمل زایش، ارزش استمرار و تداوم نخواهد داشت (عزیززاده، ۱۳۸۸). در این راستا برخی پژوهشگران بر این عقیده‌اند که ارزش یک شرکت تحت تأثیر انتصاب مدیران با تخصص مالی در هیأت مدیره و همچنین انتصاب افراد با تخصص مالی در کمیته حسابرسی است (دیویدسون و همکاران<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۴). آن‌چه که روشن است این‌که تحقق استراتژی‌های ارزش‌آفرین نیازمند مدیران کارکشته و توانمندی است، که بتوانند با مهارت‌های مالی در شرایط ریسک، تصمیم بهینه را اتخاذ کنند. مدیران همواره باید ریسک‌هایی را که شرکت یا سهام را تهدید می‌کنند مورد شناسایی قرار دهند تا بتوانند، تصمیمات مناسب و هدفمند بگیرند، تصمیمات صحیح مستلزم برنامه‌ریزی به هنگام است. اما توانمندی مدیران تا حدودی با هوش آنها مرتبط است و هوش به معنای توان بیولوژیکی برای تحلیل نوع خاصی از اطلاعات به روشی معین است (گاردنر<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۰). طبق اظهار

رود؛ و هوش مالی ابزاری برای سنجش توانایی حل مسائل مالی است از این رو می‌توان با برقراری ارتباط استنتاجی میان این دو مفهوم دریافت که هوش مالی بخشی از شاخصه‌های مدیران دارای شخصیت کاریزماتیک<sup>۲۳</sup> نیز هست (اصغری و نجیب مقدم، ۱۳۹۴). افزون بر این که تجربه و دانش قبلی مدیران تصمیمات شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از آن جایی که مدیران با سطح دانش مالی با استانداردها و تصمیم‌گیری‌های مالی و تکنیک‌های مختلف مدیریت سود و هم‌چنین کیفیت افشاء آنها بیشتر آشنا هستند، لذا توانایی بیشتری برای دست‌کاری و مدیریت سود دارند (ملازاده و همکاران، ۱۳۹۵). چهار بُعد هوش مالی از نظر نایت و برمن (۲۰۱۳) در نگاره (۱) نشان داده شده است که برای تدوین پرسشنامه در پژوهش حاضر از آن نیز استفاده شده است.

#### نگاره ۱- ابعاد هوش مالی از نظر نایت و برمن (۲۰۱۳)

ابعاد هوش مالی	
درک مبنایی	هوش مالی نیازمند درک پایه‌های اندازه‌گیری و سنجش صورت‌های مالی (صورت سود و زیان و ..) است. هوش مالی باید بتواند بین سود صریح و پنهان یک بنگاه اقتصادی تفاوت قائل شود.
درک هنری	هوش مالی اطمینان می‌دهد که افراد قادر به تشخیص این موضوع هستند که در کجا جنبه‌های هنری مالی روی اعداد اعمال شده و چگونه به نتایج متفاوتی منجر می‌شود.
درک تحلیلی	در واقع استفاده از اطلاعات داده‌های کمی مستخرج از تحلیل نسبت‌های مالی و تفسیر آنها در قالب صورت‌های مالی است. هوش مالی شامل توانایی تحلیل اعداد به صورت عمیق‌تر است.
درک کلان	درک نتایج مالی یک کسب و کار در چارچوب کلان جامعه است. عواملی از قبیل اقتصاد، محیط رقابتی، قوانین و فناوری‌های جدید، همه و همه روی نحوه تفسیر اعداد مؤثر است.

با این تفاسیر بسیاری از افراد با وجود اهمیت آشکار سواد مالی، به دنبال ارتقاء هوش مالی خود نیستند. ادبیات تحقیق روزافزون در مورد سواد و هوش مالی، نشان می‌دهد که دانش سرمایه‌گذاران و مهارت در محصولات و اصول مالی اساسی و اصلی، فراتر از سطح نیاز است. اهمیت بهبود سواد مالی، به دلیل عواملی هم‌چون توسعه محصولات مالی جدید، پیچیدگی بازارهای مالی، تغییر عوامل اقتصادی، سیاسی و جمعیتی افزایش یافته است (مونا و انیس<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۷).

سبب این که مصرف‌کننده را برای بقاء در جامعه مدرن و مقاومت در برابر تنوع و پیچیدگی محصولات و خدمات مالی موجود، توانا سازد، ضروری شده است (آلمنبرگ و دربر<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۵). هوش مالی دانش و مهارت‌هایی است که از طریق درک اصول مالی و حسابداری در دنیای تجارت حاصل می‌شود (نایت و برمن<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۳). به عبارتی هوش مالی تنها بخشی از هوش ذهنی است که برای حل مشکلات مالی از آن استفاده می‌شود. ممکن است شخصی دارای هوش ذهنی بالایی باشد ولی هوش مالی پایینی داشته باشد و برعکس (کیاساکی و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۰). در واقع هوش مالی ابزاری برای ساخت تصمیم بهتر و مجموعه‌ای از فن‌ها و مهارت‌هایی است که داده‌های مالی و تجاری را جمع‌آوری و تحلیل می‌کند تا تصمیم‌سازی بهبود یابد. هم‌چنین آن یک فلسفه و ابزار مدیریتی است که به سازمان‌ها جهت مدیریت و پالایش اطلاعات کسب و کار در راستای اخذ تصمیمات اثربخش کمک می‌نماید (گوشال و کیم<sup>۲۰</sup>، ۱۹۸۶).

لوساردی<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان هوش، دانش مالی و تصمیمات مالی نشان داد که تصمیمات مالی مرتبط است با ساختمان دارایی یا مدیریت بدهی‌ها (به نقل از آقاسی و همکاران، ۱۳۹۵).

لی و همکاران<sup>۲۲</sup> (۲۰۰۸) اظهار داشتند هوش مالی در چهار بُعد (ارتباطات، ابزارهای تحلیل، سیستم‌های گزارش دهنده و تصمیم‌گیری اثربخش) بروز پیدا می‌کند. با این وجود به نظر کیاساکی (۲۰۱۰) هوش مالی دارای ۵ طبقه‌بندی خاص خود است که هر فرد با دارا بودن پنج بُعد از هوش مالی مناسبی برخوردار است. شکل (۱) این ابعاد را نشان می‌دهد.



شکل ۱- هوش مالی از نظر کیاساکی (۲۰۱۰)

تحلیل‌های صحیح، شناخت و پیش‌بینی روندهای کلان محیطی و به تبع آن وضعیت اقتصادی بنگاه در شرایط عدم اطمینان، از مهم‌ترین شاخصه‌های مدیران کارزما به‌شمار می‌-

## ۲-۲- کیفیت حسابداری و رفتار اخلاقی حسابرسان

دانشمندان حسابداری در پژوهش‌های خود کیفیت بالای حسابداری را به عنوان یک عامل اصلی که بر اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی می‌افزاید، تأیید کرده‌اند (ژوریت<sup>۲۵</sup>، ۲۰۱۱). اما واژه «کیفیت حسابداری» برای حسابرسان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی معانی متفاوتی دارد. یکی از نخستین تعریف‌های کیفیت حسابداری توسط دی‌آنجلو (۱۹۸۱) صورت‌گرفت که بعدها مبنای پژوهش بسیاری از محققان گردید. دی‌آنجلو کیفیت حسابداری را این چنین تعریف کرد: «ارزیابی (استنباط) بازار از احتمال این‌که حسابداری موارد تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی یا سیستم حسابداری را کشف کند و تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش کند.» در این تعریف احتمال این‌که حسابرس موارد تحریف‌های با اهمیت را کشف کند به شایستگی حسابرس مربوط بوده و احتمال این‌که حسابرس موارد با اهمیت کشف شده را گزارش نماید، به استقلال حسابرس بستگی دارد. تعریف دی‌آنجلو از کیفیت واقعی کار حسابرس مبتنی بر برداشت استفاده‌کنندگان یا به اصطلاح استنباط بازار از کیفیت حسابداری است. استفاده از این تعریف در بیان کیفیت واقعی حسابداری با این فرض اساسی صورت می‌گیرد که برداشت از کیفیت حسابداری منعکس‌کننده کیفیت واقعی حسابداری است (اسدی و ولی-پور، ۱۳۹۴).

تیتمان و ترومن<sup>۲۶</sup> (۱۹۸۶) کیفیت حسابداری را میزان صحت و درستی اطلاعات تعریف کرده‌اند که پس از حسابداری در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. دیویدسون و نئو<sup>۲۷</sup> (۱۹۹۳) تعریف متفاوتی از کیفیت حسابداری ارائه کردند. آنها کیفیت حسابداری را توانایی حسابرس در کشف و حذف تحریفات با اهمیت و نیز کشف دست‌کاری انجام شده در سود خالص می‌دانند. شوئر<sup>۲۸</sup> (۲۰۰۰) مقیاس اندازه‌گیری کیفیت واقعی حسابداری را گزارش عدم رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری در صورت‌های مالی حسابداری شده توسط حسابرسان عنوان کرده است. یک مشکل اساسی در تعریف کیفیت حسابداری قائل نبودن تمایز بین کیفیت حسابداری و کیفیت حسابرس است. بسیاری از تحقیقات، هیچ تفاوتی بین این دو اصطلاح قائل نشده‌اند. کیفیت حسابداری به عنوان کیفیت کلی خدمات حسابداری در تمام حسابداری‌های حسابرسان تعریف می‌شود. کیفیت حسابداری باید برای هر پروژه حسابداری به صورت جداگانه (بر مبنای خدمت به خدمت) تعریف شود، زیرا مؤسسه حسابداری ممکن است تمام حسابداری‌های خود را در یک سطح کیفی مشابه اجرا نکند. به عبارت دیگر، کیفیت حسابرس مبتنی بر مفهوم کیفی بودن

حسابداری‌های مؤسسه حسابداری است، در حالی که کیفیت حسابداری مبتنی بر مفهوم کیفیت واقعی هر یک از پروژه‌های حسابداری است. برداشت از کیفیت حسابداری و کیفیت واقعی حسابداری نیز دو مفهوم متفاوت است. اگر چه، توجه به کیفیت واقعی حسابداری به جای برداشت از کیفیت حسابداری از اهمیت بیشتری برخوردار است، اما نباید فراموش کرد که اندازه‌گیری کیفیت واقعی حسابداری به سادگی میسر نیست. کیفیت واقعی حسابرس غیر قابل مشاهده است و فقط می‌توان آن را پس از اجرای حسابداری ارزیابی کرد (پیری و همکاران، ۱۳۹۲). برای نمونه پالمروس<sup>۲۹</sup> (۱۹۸۸) برای اندازه‌گیری کیفیت واقعی حسابداری از دعوی حقوقی بر علیه حسابرسان استفاده می‌کند. تحقیقات انجام شده توسط پژوهشگران در زمینه کیفیت حسابداری را می‌توان به دو گروه عمده طبقه‌بندی کرد. گروه نخست، پژوهشگرانی هستند که بر عرضه حسابداری با کیفیت بالا تأکید دارند و تمرکز آنها بر توانایی‌های حسابرس در عرضه حسابداری با کیفیت بالا است؛ گروه دوم عمدتاً پژوهشگرانی هستند که بر نیازها و درخواست‌های متقاضیان حسابرسان تأکید دارند و تمرکز آنها بر خواست‌های سهامداران، اعتباردهندگان، مراجع قانونی و صاحبکاران است. اما در دو دهه‌ی اخیر کیفیت حسابداری تحت تأثیر رفتار اخلاقی حسابرسان قرار گرفته است. اخلاق، معرفتی است که از افعال اختیاری انسان بر اساس یک سیر عقلایی شکل می‌گیرد و اخلاق حرفه‌ای، مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها و تشکلهای را تعیین می‌کند. علم اخلاق را تحقیق در رفتار آدمی به آن گونه که باید باشد بیان کرده‌اند (ماکس<sup>۳۰</sup>، ۱۹۱۷). در واقع اخلاق مجموعه‌ای از صفات روحی و باطنی انسان است که به صورت اعمال و رفتاری که از خلیات انسانی ناشی می‌شود، بروز ظاهری پیدا می‌کند (قراملکی، ۱۳۸۷). ارزش‌های اخلاقی، زیربنایی را فراهم می‌کنند که یک جامعه متمدن و متعالی فرهنگی و رفتاری بر آن بنا می‌شود (سرلک، ۱۳۸۷). قطعاً حرفه حسابداری نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و بایستی اصول و قواعدی را تدوین نماید که اعضای آنرا ملزم سازد تا از سطحی از خویشتن‌داری برخوردار شوند که ماورای الزامات قانونی و مقررات است. اخلاق در حسابداری و حسابداری به معنای رعایت مفاهیمی هم‌چون: عدالت، انصاف، حقیقت، برابری، بی‌طرفی و اجتناب از سونگری می‌باشد (ریاحی بلکویی<sup>۳۱</sup>، ۲۰۱۳). نوع دیدگاه اخلاقی حسابرسان بر رفتار آنان اثرگذار است، دیدگاه اخلاقی، جهت‌گیری اخلاقی بر اساس ساختار ایده‌آل‌گرایی<sup>۳۲</sup> و نسبی‌گرایی<sup>۳۳</sup> را اندازه‌گیری می‌کند. تمرکز اصلی ایده‌آل‌گرایی اخلاقی بر نفی سوداگری از طریق

اتخاذ تصمیمات ایده‌آل اخلاقی بوده و در نهایت با الزام افراد به انجام رفتار درست، منجر به تحقق نتایج مثبت خواهد شد (بالانتین و مک‌کورد<sup>۳۴</sup>، ۲۰۱۱). ایده‌آل‌گرایی حاکی از عقیده راسخ یک فرد نسبت به این است که قضاوت اخلاقی از نظر وجدانی باید کاملاً بر اساس اصول، هنجارها و قوانین اخلاقی صورت گیرد (فورسیت<sup>۳۵</sup>، ۱۹۸۰). در مقابل نسبی‌گرایی بر این تأکید دارد که هیچ معیار کلی، واحد و جهان شمولی وجود ندارد که بتوان به‌وسیله آن تعیین کرد که عملی اخلاقی است یا خیر. هر کسی از معیار خودش استفاده می‌کند و این معیار ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت باشد. فورسیت (۱۹۸۰) دو بعد اساسی فلسفه آرمان‌گرایی و نسبی-گرایی را مطرح نمود که منطبق بر وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی می‌باشد. ایشان اظهار داشت که روش علمی برای اندازه‌گیری رفتار، ارجح است، وی معتقد است که افراد صرف‌نظر از اصول اخلاقی، حالتی به خود می‌گیرند که این موضع‌گیری آنها بر روی قضاوت‌هایشان اثر می‌گذارد. هر چند انواع مختلفی از نسبی‌گرایی وجود دارد اما همه آنها در دو ویژگی مشترک هستند در خصوص ویژگی نخست نسبی‌گرایی این ادعا وجود دارد که یک چیز (مثلاً ارزش‌های اخلاقی) در چارچوب یا دیدگاه خاصی نسبی است. یعنی ارزش‌های اخلاقی را نسبت به فرهنگ نسبی می‌داند (دیویی ترجمه آریان‌پور، ۱۳۴۲).

ویژگی دوم نسبی‌گرایی این است که نسبی‌گرایان دیدگاهی را که برای همه به‌طور یگانه مضمون از خطا باشد را انکار

می‌کنند (اعتقاد به خطاپذیری). این ویژگی در حل یک مسأله همیشه موقتی و خطاپذیر است (پوتنام<sup>۳۶</sup>، ۲۰۰۵). کاپلند<sup>۳۷</sup> (۲۰۰۵) معتقد است هر چند تأثیر رفتارهای غیرحرفه‌ای و لغزش‌های اخلاقی ممکن است کم باشد، ولی فروپاشی بزرگ‌ترین شرکت‌های جهان را به دنبال دارد و باعث از دست رفتن صدها میلیارد دلار ارزش سرمایه‌سازان می‌شود. هم‌چنین، این رسوایی‌ها باعث از بین رفتن اعتبار و شهرت صدها هزار نفر افرادی می‌شود که زمان خود را صرف رعایت امانت و انجام درست کارها کرده‌اند. در تجزیه و تحلیل این وقایع، عده‌ای با استفاده از فرض‌های بنیادین اقتصادی، ذات بشر را فرصت طلب و بی‌توجه به اخلاق بیان کرده‌اند. برخی دیگر، افول ارزش‌های اخلاقی در اجتماع را دلیل زیر پا گذاشتن معیارهای اخلاقی می‌دانند (اعتمادی و دیانتی دیلمی، ۱۳۸۸). امروزه در تجزیه و تحلیل رفتار سازمان‌ها، پرداختن به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی یکی از الزامات است. نماد بیرونی سازمان‌ها را رفتارهای اخلاقی آنها تشکیل می‌دهد. رهبران سازمان‌ها برای آن‌که بتوانند کارکنان خود را برای

دست‌یابی به هدفی مشترک متقاعد سازند، باید به اصول اخلاقی پایبند باشند و متعهد بودن خود به این اصول اخلاقی را، می‌بایست از رفتار ملموس خود نشان دهند. نظریه اخلاقی، نظامی از قواعد و اصولی را بنا می‌نهد که انسان‌ها را در تصمیم‌گیری درباره آنچه درست و نادرست و خیر و شر است، راهنمایی می‌کنند. بنابراین مدیران مؤسسات حسابرسی باید بر توسعه و بهبود محیط سازمانی اخلاق محور به منظور جلوگیری از رفتارهای غیرحرفه‌ای حسابرسان توجه لازم را مبذول نمایند (فیض‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶). در حالت کلی برخی از محققان حسابداری دو تعریف محدود و گسترده را برای اخلاق ارائه داده‌اند. در تعریف محدود اخلاق در حرفه مرتبط، متضمن روشی است که به وسیله آیین رفتارحرفه‌ای تشریح شده و در تعریف گسترده‌تر شامل تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و هم‌چنین تصمیم‌گیری‌های مربوط به انتخاب روش‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در حرفه حسابداری و حسابرسی است (جباری و رحمانی، ۱۳۸۹). بنا بر تعریف گسترده‌تر، انتخاب-های حسابرسی به علت تأثیر بالقوه‌ای که بر جامعه می‌گذارد، انتخاب‌های اخلاقی هستند. از آنجا که حسابداری عرصه‌ای است که به شدت بر اعتماد و انجام مسئولیت‌های اعتباری استوار است، اهمیت گنجاندن قضاوت اخلاقی در حوزه حسابداری، روشن است (پترینا<sup>۳۸</sup>، ۲۰۰۸). حسابداری باید مهارت لازم در قضاوت اخلاقی کسب نماید به‌طوری‌که بتواند رفاه همه کسانی که از عملکرد او تأثیرپذیر هستند را، در نظر بگیرد. بدون رفتار اخلاقی استوار و قوی، جایگاه این فن و حرفه قدیمی متزلزل است (سرلک، ۱۳۸۷). اما در دو دهه‌ی اخیر چالش عمده‌ی استفاده کنندگان از صورت‌های مالی، سرمایه-گذاران و اعتباردهندگان گرفتار شدن در حصار از خبرها، رسوایی‌های مربوط به انجام موارد خلاف قواعد حسابداری از سوی مدیریت و بی‌اخلاقی و تقلب حسابرسان (پدیده‌ی شکست حسابرسی<sup>۳۹</sup>) است. انرون<sup>۴۰</sup>، ورلدکام<sup>۴۱</sup>، آدلفی<sup>۴۲</sup> از جمله شرکت‌هایی هستند که دارای رویه‌های غیراخلاقی و غیرحرفه‌ای بوده‌اند که آنها را تا مرز فروپاشی جلو برده است. بررسی فروپاشی این شرکت‌های بزرگ حاکی از آن بود که تضاد منافع در درون شرکت و حسابرسان، ارائه هم‌زمان خدمات حسابرسی مستقل و خدمات مشاوره مدیریت، موجب سقوط اخلاق حرفه‌ای حسابرسان و از دلایل اساسی فروپاشی شرکت‌های مذکور بوده است. خسران ناشی از این بی‌اعتمادی و بد اخلاقی آثار مخربی بر بدنه‌ی حرفه حسابرسی وارد کرده و منجر به زیان در نظام‌های اقتصادی خواهد شد.

از آنجایی که سیستم و حرفه حسابداری و حسابرسی هر کشور تحت تأثیر مستقیم ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی آن

کشور قرار دارد از این رو مطالعه در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد. زیرا این حرفه همانند سایر افراد و حرفه‌ها که در یک جامعه فعالیت می‌کنند، ملزم به رعایت اخلاق عمومی جامعه و آیین رفتار حرفه‌ای خود هستند. عدم رعایت اخلاق و رفتار حرفه‌ای، می‌تواند موجب تضعیف فرهنگ و اخلاق کار و در نتیجه تضعیف حرفه حسابداری شود (وانگ و لو<sup>۴۳</sup>، ۲۰۱۳). به‌طور کلی اهمیت اخلاق در حرفه حسابرسی می‌تواند از دو منظر مورد توجه قرار گیرد. بُعد اول، توجه به سوگند نامه‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران است و بُعد دوم آیین رفتار حرفه حسابداران رسمی می‌باشد (رحمانی‌نیا و یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۶). با توجه به پیش‌بینی تأثیر رفتار اخلاقی بر کیفیت حسابرسی در پژوهش حاضر برای سنجش رفتار اخلاقی حسابرسان با توجه به ادبیات و پژوهش‌های پیشین از پرسشنامه محقق ساخته و برای ارزیابی کیفیت حسابرسی از چهار متغیر تخصص، شهرت، دوره تصدی حسابرسان و وجود حسابرسان داخلی با در نظر گرفتن نقش تعدیلی رفتار اخلاقی حسابرسان استفاده شده است.

### ۲-۳- تخصص حسابرسان در صنعت

تعهد حسابرسان به استانداردهای حسابرسی و رفتار حرفه‌ای، با پرسنل متخصص و دارای صلاحیت علمی، می‌تواند بر کیفیت حسابرسی، تأثیر مثبتی داشته باشد. در تعریف اولیه دی‌آنجلو (۱۹۸۱) از کیفیت حسابرسی به توانایی‌های شخص حسابرسان اشاره شده است. این توانایی‌ها شامل مهارت و تخصص لازم در صنعت مورد رسیدگی نیز می‌باشد. مؤسسات حسابرسی با سرمایه‌گذاری در تخصص صنعت و ارتقاء توانایی‌های فنی خود در شناسایی انحرافات، خود را از نظر کیفیت از سایر مؤسسات متمایز می‌کنند. از چشم‌انداز تجربی، حسابرسان متخصص در صنعت به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و پرهیز از دعاوی قضایی احتمالی، نقشی محدود کننده را در سطح اقلام تعهدی اختیاری ایفا و می‌توانند از مدیریت سود جلوگیری کنند. به موازات اینکه سطح تخصص حسابرسان در صنعت مورد نظر بیشتر می‌شود، اندوخته دانش تخصصی آنها نیز افزایش می‌یابد و انتظار می‌رود که نسبت به سایر حسابرسان غیر متخصص، دقت بیشتری در شناخت گزارشگری متقلبانه داشته باشند (حاجیها و همکاران، ۱۳۹۱). حسابرسان با کسب تخصص در صنایع گوناگون به تمایزسازی محصول دست می‌یابند و توانایی ارائه حسابرسی با کیفیت‌تری کسب می‌کنند. کیفیت بالاتر حسابرسی توسط متخصصین صنعت هم‌چنین قابل انتساب به این حقیقت است که آنها شدیداً در فناوری تسهیلات فیزیکی، نیروی کار و سیستم‌های

کنترل سازمانی سرمایه‌گذاری می‌کنند که متعاقباً آنها را قادر می‌سازد تا نمایش‌های غیر واقعی را با سهولت بیشتر کشف کنند. توانایی آنها در فراهم‌سازی حسابرسی‌های با کیفیت‌تر ناشی از تجربه آنها در خدمت‌رسانی به سایر مشتریان در همان صنعت و یادگیری و تشریح بهترین شیوه‌های عمل در بین صنعت است (صفری‌گرایلی و همکاران<sup>۴۴</sup>، ۲۰۱۱). اما از آنجایی که حالات مختلف تخصص حسابرسان به طور مستقیم قابل مشاهده نیست، پژوهش‌های پیشین شاخص‌های مختلفی را برای تخصص حسابرسان به کار گرفته‌اند. رویکردهای سهم بازار و سهم پرتفوی اغلب به عنوان شاخص‌هایی برای تخصص حسابرسان به کار گرفته می‌شوند. در رویکرد اول (سهم بازار) فرض می‌شود که با مشاهده‌ی سهم نسبی بازار مؤسسه‌های حسابرسی که به یک صنعت خاص ارائه‌ی خدمت می‌کنند، می‌توان به میزان دانش تخصص صنعت مؤسسه‌ی حسابرسی پی برد. بر این اساس مؤسسه‌هایی که سهم بزرگ‌تری از بازار را در اختیار دارند، از دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت خاص برخوردار هستند. در مقابل بر اساس رویکرد دوم، صنعتی که صاحبکاران بیشتری (از لحاظ فروش، دارایی‌ها و...) را در پرتفوی مربوط تشکیل می‌دهد، بیانگر صنعتی است که مؤسسه‌ی حسابرسی در آن از تخصص برخوردار است (دارایی و همکاران، ۱۳۹۵). نگاره (۲) این ابزارها را به صورت خلاصه نشان می‌دهد.

### نگاره ۲- معیارهای سنجش تخصص حسابرسان

معیار	تعریف تخصص حسابرسان	ابزار سنجش
اول	بزرگ‌ترین مؤسسه در هر صنعت	میزان فروش صاحبکار
دوم	ارائه دهنده خدمات در صنعت	بزرگ‌ترین ارائه دهنده خدمات
سوم	تعداد صاحبکاران	تعداد صاحبکاران کوچک
چهارم	تعداد صاحبکاران در یک صنعت خاص	تعداد صاحبکاران
پنجم	سهم از بازار	تعداد صاحبکاران

مأخذ: دارایی و همکاران (۱۳۹۵)

حسابرسان باید مهارت و دانش حرفه‌ای و تخصص لازم را برای انجام خدمات حرفه‌ای دقیق و مناسب و مطابق با استانداردهای حرفه‌ای دارا باشد (بهوی و همکاران<sup>۴۵</sup>، ۲۰۱۵). شناخت حسابرسان از صنعت موجب افزایش کیفیت حسابرسی به واسطه بهبود قضاوت‌های حسابرسان، بهبود در دقت کشف اشتباهات و ارتقاء کیفیت ارزیابی از خطر حسابرسی می‌گردد

(مینوتی<sup>۴۶</sup>، ۲۰۱۳). تخصص حسابرس در صنعت شامل به وجود آوردن افکار سازنده به منظور کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحبکاران، هم‌چنین فراهم کردن دیدگاه‌ها و یا راهکارهای تازه برای برخی از موضوعاتی می‌شود که صاحبکاران در صنایع مربوط به خود با آن رو به‌رو می‌شوند.

#### ۴-۲- شهرت حسابرس

شهرت (اندازه) مؤسسه حسابداری یکی دیگر از شاخص‌های کیفیت حسابداری از دیدگاه پژوهشگران است. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) استدلال می‌کند که حسابرسان بزرگ‌تر نسبت به سایر حسابرسان، حسابداری‌های با کیفیت‌تری فراهم می‌کنند که این ادعا متعاقباً توسط پژوهش‌های تجربی وسیعی تأیید می‌شود (تئو و وانگ<sup>۴۷</sup>، ۱۹۹۳؛ بکر و همکاران<sup>۴۸</sup>، ۱۹۹۸؛ چن و همکاران<sup>۴۹</sup>، ۲۰۰۵؛ صفری گرایلی و همکاران، ۲۰۱۱).

دی‌آنجلو (۱۹۸۱) بیان می‌کند که مؤسسات حسابداری بزرگ به علت داشتن شهرت نگران از دست دادن متقاضیان خود نیستند و بر عرضه خدمات حسابداری با کیفیت بالا تأکید دارند. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که ارزیابی کیفیت حسابداری مشکل و هزینه‌بر است. برای همین دی‌آنجلو (۱۹۸۱) اندازه حسابداری را به عنوان یک نماینده‌ای از کیفیت حسابداری معرفی می‌کند. مؤسسات با قدمت با سرمایه‌گذاری در شهرت بی‌بدیل خود و با رعایت آیین رفتار حرفه‌ای همواره سعی بر حفظ نام تجاری و خوشنامی با عرضه خدمات با کیفیت حسابداری دارند. کاتاناک و واکر<sup>۵۰</sup> (۱۹۹۹) با معرفی مدلی نشان دادند که کیفیت حسابداری تابع توانایی‌های حسابداری (از جمله دانش، تجربه، شهرت، قدرت تطبیق و کارایی) و اجرای حرفه‌ای (از جمله استقلال، عینیت، مراقبت حرفه‌ای و قضاوت) است. برخی معتقدند کارایی حسابرسان در افزایش اعتبار گزارشگری مالی با توجه به اندازه مؤسسه حسابداری متفاوت است (دیو و ژو<sup>۵۱</sup>، ۲۰۱۴). کریشنا<sup>۵۲</sup> (۲۰۰۳) نیز بر این باور است که مؤسسات حسابداری بزرگ، نه تنها منابع و تخصص بیشتری را برای کشف مدیریت سود در اختیار دارند، بلکه به دلیل داشتن صاحبکاران بزرگ‌تر و مهم‌تر، انگیزه بیشتری را نیز برای حمایت از شهرت خود دارند. به‌طور معمول، پذیرفته شده که مؤسسات حسابداری مشهور در اغلب موارد خدمات متنوع و با کیفیتی ارائه می‌کنند و این می‌تواند فرآیند حسابداری با کیفیت را به دنبال داشته باشد که در نهایت به ارائه اطلاعات و گزارشگری مالی با کیفیت منجر شود. گزارشگری مالی با کیفیت موجب اطمینان خاطر اعتباردهندگان در تصمیم‌گیری و کاهش ریسک اطلاعاتی آنها می‌شود (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲).

فرناندوز و همکاران<sup>۵۳</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که شهرت مؤسسه حسابداری، کیفیت حسابداری را تحت تأثیر قرار داده و باعث کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام (افزایش ارزش شرکت) خواهد شد. در نتیجه با حسن شهرت حسابداری، اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی افزایش یافته و لذا کیفیت حسابداری نیز بالاتر خواهد بود. از سوی دیگر، مؤسسات بزرگ حسابداری به دلیل شهرت زیاد، از حسابرسان متبحر و آموزش‌دیده و کنترل کیفی قوی‌تری برخوردار هستند. هم‌چنین، هر چه مؤسسه حسابداری از شهرت و بزرگی بیشتری برخوردار باشد، حق‌الزحمه بیشتری را از آن خود خواهد کرد (پاک‌مرام و بحری‌ثالث، ۱۳۹۶).

چوی و همکاران<sup>۵۴</sup> (۲۰۱۵) بیان کردند شهرت مؤسسات حسابداری با کیفیت حسابداری مرتبط است و هر چه مؤسسات بزرگ‌تر باشند کیفیت حسابداری بیشتر می‌باشد. در خصوص اندازه در پژوهش‌های مختلف مؤسسات به ۲ دسته مؤسسات ۸ بزرگ و ۵ بزرگ و مؤسساتی که در زمره ۵ یا ۸ نیستند، تقسیم‌بندی شدند و مشخص شد، مؤسسات حسابداری بزرگ‌تر معمولاً خدمات بهتری را نسبت به مؤسسات کوچک‌تر ارائه می‌دهند. اما مواردی هم یافت شد که مؤسسات حسابداری کوچک‌تر مشاوره بهتری را به صاحبکاران خود ارائه داده‌اند (میشایل و همکاران<sup>۵۵</sup>، ۲۰۰۷ به نقل از حسینی و پزشکیان، ۱۳۹۶).

#### ۲-۵- مدت تصدی حسابرس

موضوع طول دوره تصدی حسابداری و چگونگی تأثیر آن بر کیفیت حسابداری یکی از مباحث چالشی میان حسابرسان، قانون‌گذاران و نهادهای حرفه‌ای در دنیا بوده است. محققان بر این باورند که استقلال حسابداری به منزله جوهر فرآیند حسابداری می‌باشد، که برای حسابداری شرایط فکری عاری از تمام محدودیت‌های شخصی، خارجی و سازمانی که مانع عملکرد شغلی او می‌شود را فراهم می‌کند. استقلال با رفتار اخلاقی حسابداری در ارتباط است. اما یکی از مواردی که همواره علیه استقلال حسابداری مطرح بوده، مدت تصدی حسابداری است. چرا که حسابداری باید در ظاهر و باطن در هنگام انجام خدمات حرفه‌ای مستقل باشد. حسابداری باید وظیفه خود را با استقلال فکری کامل انجام دهد (باتهام<sup>۵۶</sup>، ۲۰۰۹). در خصوص چالش رابطه‌ی تداوم انتخاب حسابداری و کیفیت حسابداری دو دیدگاه کلی وجود دارد. در یک دیدگاه اعتقاد بر این است که رابطه‌ی بلندمدت میان صاحبکار و حسابداری باعث نزدیکی بیش از حد آنان شده است و این نزدیکی موجب بروز رفتارهای غیراخلاقی و آسیب دیدن استقلال حسابداری و کاهش کیفیت حسابداری می‌شود. به‌زعم برخی از محققین، چرخش اجباری حسابداری



کسب شناخت لازم برای حسابرس جدید جهت ارائه حسابرسی با کیفیت بالا ممکن است مستلزم سپری شدن چندین سال باشد (چانگ<sup>۶۱</sup>، ۲۰۰۴؛ کون و همکاران<sup>۶۲</sup>، ۲۰۱۴). به اعتقاد طرفداران این رویکرد افزایش شناخت حسابرس از محیط کار واحد تجاری با افزایش طول دوره تصدی باعث ایجاد یک مزیت رقابتی برای حسابرس در کشف موارد ایراد با اهمیت مندرج در صورت‌های مالی شده که می‌تواند موجب افزایش کیفیت حسابرسی گردد (آرل<sup>۶۳</sup>، ۲۰۰۵).

هو و همکاران<sup>۶۴</sup> (۲۰۱۰) مدت تصدی حسابرس را به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی انتخاب و نشان دادند هر چه مدت تصدی حسابرس افزایش یابد، مدیریت سود کاهش و در نتیجه کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی افزایش می‌یابد.

بنا به نظر زنگین و اوزکان<sup>۶۵</sup> (۲۰۱۰) حسابرس در راستای کسب توانایی لازم جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و مدیریت نیازمند تصدی طولانی‌تری است تا از این مجرا امکان دستیابی به اطلاعات بیشتر در مورد شرکت را مهیا کند و متعاقباً بتواند گزارشگری مالی همراه کننده را تشخیص دهد.

داگرتی و همکاران<sup>۶۶</sup> (۲۰۱۳) در بررسی شرکای حسابرسی به این نتیجه رسیدند که شرکای مورد بررسی به چرخش اجباری به عنوان بهبود استقلال حسابرس (مربوط به نگرش مستقل ذهنی) و استقلال ظاهری حسابرس (مربوط به برداشت دیگران از استقلال حسابرس) که در نتیجه به تأثیری مثبت در کیفیت حسابرسی منجر می‌شود، می‌نگرند.

پس از ۳ سال می‌تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد (باندیپایدای و همکاران<sup>۵۷</sup>، ۲۰۱۴). آنها ادعا می‌کنند با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، ممکن است فرآیند حسابرسی به فرآیندی تکراری تبدیل شده و حسابرسان به جای ارزیابی و بررسی موارد ادعا شده در صورت‌های مالی به پیش‌بینی نتایج رسیدگی‌های خود با توجه به نتایج رسیدگی‌های سنوات قبل پرداخته و یا از روش‌های رسیدگی عادی و تکراری ناکارآمد استفاده نمایند (گیتزمن و سن<sup>۵۸</sup>، ۲۰۰۲). بخش ۲۰۳ قانون ساربینز-آکسلی<sup>۵۹</sup>، مؤسسات حسابرسی را ملزم می‌کند، شرکاء و مدیران خود بعد از هر ۵ سال متوالی کار حسابرسی روی یک صاحبکار واحد تغییر دهند. در مقابل، دیدگاه دیگر به مشکلات حسابرسی در سال‌های اولیه‌ی رابطه‌ی حسابرس-صاحبکار اشاره می‌کند. از نظر این دیدگاه، نداشتن آشنایی دقیق با مواردی مانند نوع عملیات، سیستم حسابداری و ساختار کنترل داخلی شرکت مورد رسیدگی، افزون بر این که موجب افزایش هزینه‌های حسابرسی می‌شود، ممکن است باعث افزایش احتمال عدم کشف اشتباهات با اهمیت و تخلفات اساسی توسط حسابرس شود (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱). به اعتقاد آنها تغییر حسابرس مالی باعث خواهد شد، اعتماد سرمایه-گذاران به اتکاء‌پذیری صورت‌های مالی کاهش یافته و از این رو اعتبار حسابرسی کاهش یابد. از طرف دیگر هزینه‌های حسابرسی، چه برای حسابرس و چه برای صاحبکار، افزایش خواهد یافت (سینیت<sup>۶۰</sup>، ۲۰۰۴). چنین سیاستی ممکن است به دلیل از بین رفتن دانش کسب شده توسط حسابرس قبلی (حسابرس سنوات قبلی) و پیچیدگی محیط گزارشگری مالی،



شکل (۲) : تأثیر چرخش حسابرس

(داگرتی و همکاران، ۲۰۱۳)

چه از درون و چه از برون به شدت تهدید می‌کند، سبب شده است تا کنترل مستقیم و انفرادی این گونه واحدها ناممکن شود و نیاز به استقرار سیستم اثربخش کنترل داخلی به‌عنوان جزئی جدایی ناپذیر از سیستم مدیریت کارآمد، هم‌چون حسابرسی داخلی مورد توجه ایشان قرار گیرد (شفیعی و

## ۲-۶- حسابرسی داخلی

گسترش و پیچیدگی روزافزون و شتاب‌آمیز واحدهای اقتصادی در جهان پیشرفته‌ی امروز، نیازهای ناشی از کمبود منابع و افزایش رقابت، وجود انواع مخاطرات در زمینه‌های مالی، اداری و تجاری که هدف‌ها و سیاست‌های سازمانی آنها را

حسابرسان داخلی، حسابداری داخلی را اینگونه توصیف می‌کند: " فعالیتی اطمینان‌بخش و مشاوره‌ای مستقل و واقع‌بینانه که با هدف ارزش‌افزایی و بهبود عملیات سازمان انجام می‌شود. حسابداری داخلی با گزینش رویکردی نظام‌مند به سازمان کمک می‌کند تا به هدف‌های خود دست یابد و فرآیندهای اثربخش مدیریت ریسک، کنترل‌ها و حاکمیت شرکتی را بهبود بخشد. این تعریف جدید از سوی انجمن مذکور، در واقع پاسخی به تجدیدنظر در چشم‌انداز و مأموریت-های این حرفه بوده است (مدرس و بیداری، ۱۳۹۰). نگاهی به تاریخچه‌ی فعالیت حسابداری داخلی در چند دهه اخیر و مرور شرح وظایفی که این واحد بر عهده دارد (کنترل تا ارزش آفرینی)، می‌تواند اهمیت دست‌یابی به سطح مطلوبی از عملکرد و کیفیت کار حسابداری داخلی به عنوان یکی از حلقه‌های زنجیره‌ی ارزش مدنظر مدیران (با دانش مالی بالا)، برای بهبود ارزش سازمان‌ها را بهتر نشان دهد (ساسانی و شریفی‌راد، ۱۳۹۲). الزام سال ۹۱ سازمان بورس مبنی بر ایجاد واحد حسابداری داخلی برای شرکت‌های تابع، اقدامی در راستای دست‌یابی به سطح قابل قبول کیفیت حسابداری در عصر نوین بود. بنا بر آن چه بیان گردید انجام تحقیقی در خصوص پیش-بینی هوش مالی مدیران به‌عنوان مهارتی امروزی با تأثیر توأم مؤلفه‌های کیفیت حسابداری با

نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حساب‌رسان ضروری به نظر می‌رسد. آلمنبرگ و ویدمارک<sup>۶۹</sup> (۲۰۱۱) موضوع هوش مالی شرکت‌کنندگان در بازارهای دارایی را مورد بررسی قرار دادند. آنها نشان دادند که هوش مالی با ویژگی‌های شخصیتی رابطه مستقیم دارد و در بازار سهام در افراد مختلف است. بولین و همکاران<sup>۷۰</sup> (۲۰۱۴) در تحقیق خود به بررسی تأثیر چرخش حساب‌رسان و تجربه و تخصص حرفه‌ای او بر کیفیت

حساب‌رسان پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که چرخش اجباری حساب‌رسان، موجب بهبود کیفیت حسابداری می‌شود، البته به شرط آن‌که حساب‌رسان درست‌کاری و صداقت مدیریت را باور داشته باشد.

پیزینی و همکاران<sup>۷۱</sup> (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر کیفیت حسابداری داخلی بر مدت زمان اجرای عملیات حسابداری پرداختند و به این نتیجه رسیدند اتکاء به کار حساب‌رسان داخلی باعث کاهش دوره عملیات به میزان ۴ الی ۶ روز می‌شود و مشارکت حساب‌رسان داخلی باعث بهبود صورت‌های مالی می‌شود.

تروو و همکاران<sup>۷۲</sup> (۲۰۱۳) اثر رفتار اخلاقی مدیریت شرکت و رابطه‌کاری یک حساب‌رسان با سرپرست خود را بر روی

انصاری، (۱۳۸۸). حسابداری داخلی همواره به‌عنوان یک نقش موازی با نقش حسابداری مستقل در نظر گرفته شده که نقطه افتراق کلیدی آن از حسابداری مستقل نداشتن استقلال واقعی است که آن‌هم ریشه در جایگاه حساب‌رسان داخلی به عنوان کارمندی که تنها در استخدام یک صاحبکار است، دارد. حسابداری داخلی در طول دوران دست‌خوش تغییرات شگرفی شده که می‌توان آن را بر حسب کارکردها و وظایف به سه گروه حسابداری داخلی سنتی، مدرن و نئو مدرن تقسیم کرد. حسابداری داخلی در شکل اولیه (سنتی) در خدمت مدیر مالی بود و وظیفه‌اش چیزی بیش از کنترل کیفیت عملیات حسابداری نبود. به عبارت دیگر محصول کار حساب‌رسان داخلی، کنترل کیفیت کار حسابداری و مشتری آنان، مدیران مالی بودند. در حسابداری داخلی مدرن هدف، توسعه خدمات حرفه‌ای و گسترش بازار بود. در این مرحله، خدماتی مانند کنترل تمام عملیات داخلی و خدمات مشاوره‌ای به مدیریت ارائه می‌شد. بنابراین «خدمت به مدیران» به شعار حسابداری داخلی تبدیل شد.

حساب‌رسان داخلی نئومدرن در واقع نسخه تعدیل شده حسابداری مدرن است. سیمایی که از حسابداری داخلی نئومدرن ترسیم می‌شود، یک فعالیت مشترک در مرکز فعالیت ظریف و پیچیده در بین چند گروه عمده از متقاضیان این نوع خدمات است. این گروه‌ها شامل هیئت مدیره، مدیریت ارشد، مدیریت عملیاتی و حساب‌رسان مستقل است. گفتنی است که حساب‌رسان داخلی نمی‌تواند هیچ یک از گروه‌های پیش‌گفته را نادیده بگیرند و همه آنها دارای انتظاراتی منطقی از عملکرد حسابداری داخلی‌اند. در واقع حسابداری داخلی نئومدرن، وظیفه خود را تنها ارائه خدمت به مدیریت نمی‌داند بلکه دیدگاهی کلی به سازمان دارد و با آن ارتباط برقرار می‌کند (پورموسی، ۱۳۸۸). در این راستا ممکن است حسابداری داخلی با هر یک از مجموعه‌های مدیریت سر و کار داشته باشد، اما در نهایت هدف کلی سازمان را در نظر دارد. مدیریت اجرایی با ایجاد سیستم‌های مناسب کنترل داخلی و مدیریت ریسک نقش حیاتی در حاکمیت شرکتی دارد (تجومپسون<sup>۶۷</sup>، ۲۰۱۳). این امر، به‌ویژه با توجه به ایجاد محیط اخلاقی مستحکم، صحیح است. در حالی که حساب‌رسان داخلی می‌تواند به مدیریت در القای یک سطح اخلاقی مستحکم در سازمان کمک کنند، طرز برخورد نامناسب مدیریت می‌تواند شرایط را برای حساب‌رسان داخلی در تقویت رفتار اخلاقی، بسیار دشوار سازد. این موضوع توسط مسائل مرتبط با افشاگری، به خصوص هنگامی که امنیت یا پیشرفت شغلی حساب‌رسان در خطر قرار گیرد، مشهود است (روسی<sup>۶۸</sup>، ۲۰۱۳). انجمن بین‌المللی

که شک و تردید حرفه‌ای بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و اخلاق و تجربه تأثیرگذار است.

کماندار و نایب‌زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه هوش مالی مدیران بانک‌ها و توانایی‌ها آنها در درک مصادیق پول‌شویی" نشان دادند که هوش مالی مدیران و توانایی آنها در درک مصادیق پول‌شویی از حد متوسط پایین‌تر است و رابطه معناداری بین آنها وجود دارد.

رضوی‌زاده و نونهال‌نهر (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر سرمایه فکری و برآیندهای محیطی بر رفتار اخلاقی حسابرسان" نشان دادند برآیندهای تصمیم و هم‌نیت مدیران بر حساسیت اخلاقی حسابرسان دارای سرمایه فکری بالا،

برآیندهای تصمیم بر قضاوت اخلاقی حسابرسان دارای سرمایه فکری بالا تأثیر داشته است. در نهایت، با وجود برآیندهای تصمیم و نیت مدیران، سرمایه فکری حسابرس بر انتخاب مجازات علیه سایر حسابرسان تأثیر نداشته است.

ملازاده و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر دانش مدیرعامل بر روی مدیریت سود" نشان دادند که دانش مدیر عامل بر روی مدیریت سود شرکت بر اساس رویدادهای واقعی و اقلام تعهدی اختیاری تأثیر ندارد. از طرف دیگر تفاوت معناداری بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیرعامل دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها وجود ندارد.

میلادیان و ضیایی‌پور (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر هوش هیجانی و سواد مالی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران" نشان دادند که در سطح خطای ۶ درصد متغیرهای هوش هیجانی و سواد مالی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران تأثیر داشته‌اند. این تأثیر برای هوش هیجانی منفی و برای متغیر سواد مالی با ضریب مثبت می‌باشد پس از گرفتن قدرمطلق مشخص می‌شود که ضریب استاندارد تأثیر هوش هیجانی از سواد مالی بالاتر است و هوش هیجانی تأثیر بیشتری بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران دارد. مدل مفهومی پژوهش در شکل (۳) آورده شده است.

تمایل حسابرس به رفتار غیر اخلاقی بررسی کردند. نتایج آنها نشان داد که عوامل محیطی بر نحوه عمل حسابرس در تبعیت از استانداردهای حسابرسی مؤثر است. به‌طور ویژه رفتار اخلاقی مدیریت شرکت بر نوع رابطه کاری حسابرس با سرپرست حسابرسی او و میزان پذیرش استانداردهای حسابرسی توسط حسابرس تأثیر می‌گذارد.

جیانگ، ژو و هوانگ<sup>۷۳</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "تأثیر دانش مالی مدیر بر مدیریت سود در کشور چین" به این نتیجه رسیدند که مدیران دارای دانش مالی، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی کمتری انجام می‌دهند. این در حالی است که بین دانش مالی مدیر بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری رابطه‌ای وجود ندارد. آنها بر اساس یافته‌های خود، نتیجه گرفتند مدیران دارای دانش مالی، اطلاعات سود دقیق‌تر و صورت‌های مالی با کیفیت‌تری ارائه می‌کنند.

زحمت‌کش و رضازاده (۲۰۱۷) در پژوهشی با بررسی تأثیر ویژگی‌های حسابرس بر روی کیفیت حسابرسی، نشان دادند که شایستگی حرفه‌ای، پاسخ‌گویی و بی‌طرفی حسابرس بر قضاوت و دستیابی به کیفیت حسابرسی مؤثر است.

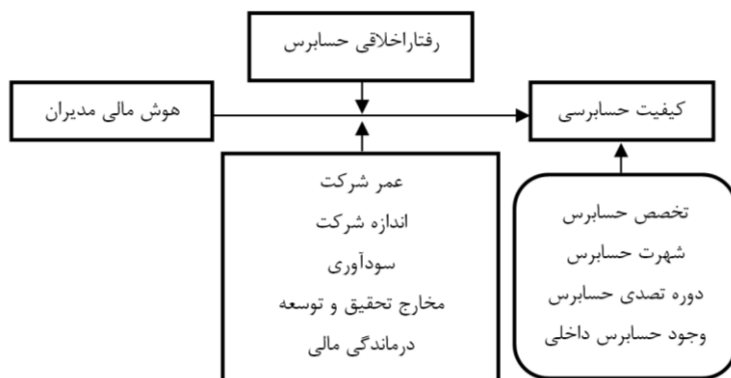
سوکریسنو و ایمن<sup>۷۴</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان دادند که تخصص حسابرس در صنعت و استقلال حسابرس تأثیر قابل توجهی در اجرای روش‌های حسابرسی برای تشخیص تقلب و تأثیر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی دارد به طوری که تجربه حسابرس در صنعت باعث افزایش کیفیت حسابرسی به منظور کشف تقلب در صورت‌های مالی خواهد شد.

لای و همکاران<sup>۷۵</sup> (۲۰۱۶) با بررسی رابطه‌ی بین رفتار اخلاقی، حسابرسان شاغل و کیفیت اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های مالزی نشان دادند که بین رفتار اخلاقی و کیفیت اقلام تعهدی اختیاری ارتباط معناداری وجود دارد.

ماتسونگا و یونگ<sup>۷۶</sup> (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان "شواهدی از تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی کیفیت افشاء و گزارش‌های مالی شرکت" به این نتیجه رسیدند که مدیران دارای دانش مالی، سود دقیق‌تری را ارائه و کیفیت افشای مالی را بهبود می‌بخشند.

باقری و محمدی‌نسب (۱۳۹۵) به بررسی رابطه هوش مالی با سوگیری‌های رفتاری منتخب سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداخته و نشان دادند رابطه معنی‌دار و منفی بین هوش مالی و سوگیری‌های مورد بررسی دیده می‌شود.

دریایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "رابطه اخلاق، تجربه و صلاحیت حرفه‌ای حسابرسان با کیفیت حسابرسی با نقش تعدیلی شک و تردید حرفه‌ای" نشان دادند



شکل ۳- مدل مفهومی پژوهش

### ۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش و نیز بر مبنای مبانی نظری و پیشینه پژوهش که بیان گردید فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین گردیده است:

#### فرضیه اصلی:

بین هوش مالی مدیران و کیفیت حسابرسی با نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه وجود دارد.

#### فرضیه‌های فرعی:

- فرضیه اول: بین هوش مالی مدیران و تخصص حسابرس با نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین هوش مالی مدیران و شهرت حسابرس با نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین هوش مالی مدیران و دوره تصدی حسابرس با نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه وجود دارد.
- فرضیه چهارم: بین هوش مالی مدیران و وجود واحد حسابرسی داخلی با نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه وجود دارد.

پژوهش و به منظور دستیابی به داده‌های مورد نیاز و از طرفی جهت بررسی متغیرهای موجود در این پژوهش استفاده شده است. با توجه به اهداف پژوهش و ماهیت بعضی از متغیرها از طریق داده‌های صورت‌های مالی و برای برخی دیگر بهترین راه برای گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. آزمون فرضیه‌های تحقیق به روش تحلیل رگرسیون خطی چندگانه (با استفاده از نرم افزار Eviews 9) و برای تعیین روایی و پایایی پرسشنامه‌های مورد استفاده، از نظر متخصصین و خبرگان استفاده شده است. نگاره (۳) نتایج پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ<sup>۷۷</sup> را نشان می‌دهد.

### نگاره ۳- ضریب پایایی پرسشنامه‌ها

نتیجه	مقایسه با ۰/۷۰	مقدار آماره آزمون	آماره آزمون
تأیید پایایی پرسشنامه	بزرگتر	۰/۸۵۷	آلفای کرونباخ (رفتار اخلاقی حسابرسان)
تأیید پایایی پرسشنامه	بزرگتر	۰/۹۱۶	آلفای کرونباخ (هوش مالی مدیران)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جامعه آماری تحقیق حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۶ بوده است. نمونه آماری با استفاده از شرایط زیر انتخاب شده است:

- ◀ سال مالی آنها منتهی به ۱۲/۲۹ باشد.
- ◀ اطلاعات آنها قابل تهیه و در دسترس و حسابرسان و مدیران پرسشنامه‌ها را تکمیل کرده باشند.
- ◀ در قلمرو زمانی تحقیق، وقفه عملیاتی نداشته باشند.
- ◀ جزو شرکت‌های واسطه مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها نباشند.

### ۴- روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی می‌باشد. چون تحقیق حاضر به دنبال کشف علت یک یا چند پدیده نمی‌باشد، بلکه قصد آن را دارد که رابطه بین دو متغیر را با جمع‌آوری داده‌های مربوط توصیف نماید. به‌طور کلی روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش را می‌توان به دو دسته کتابخانه‌ای و میدانی تقسیم نمود. روش کتابخانه‌ای در پژوهش حاضر، در ارتباط با گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش استفاده شده است. روش میدانی، با توجه به اهداف

**Client Sales** : بیانگر درآمد صاحبکار، **k** : به معنای طبقه-بندی صنعت، **J** : به معنای شرکت صاحبکار، **I** : به معنای مؤسسه حسابرسی، **Jik** : تعداد صاحبکاران حسابرسی **i** ام در صنعت **k** ام، **Ijk** : تعداد مؤسسات حسابرسی صنعت **i** ام. مطابق نظر کریشنا (۲۰۰۳) چنانچه نتیجه رابطه بالا بیشتر از ۲۰ درصد و مؤسسه حسابرسی در گروه مؤسسه‌های بزرگ طبقه-بندی شده باشد، مؤسسه حسابرسی به عنوان متخصص صنعت طبقه‌بندی می‌شود.

شهرت مؤسسه حسابرسی: شهرت مؤسسه حسابرسی به همان اندازه مؤسسه حسابرسی اشاره دارد. سازمان بورس و اوراق بهادار، بر اساس دستورالعمل طبقه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی و اشخاص ماده ۱ دستورالعمل مؤسسه‌های حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار، مؤسسه‌های حسابرسی معتمد سازمان را بر اساس معیارهای مندرج در ماده ۲ دستورالعمل مزبور در چهار طبقه اول، دوم، سوم و چهارم قرار داده است. در این پژوهش مؤسسه‌های طبقه‌بندی شده در گروه اول، به عنوان مؤسسه بزرگ و سایر مؤسسه‌ها، به عنوان مؤسسه کوچک‌اند (حساس یگانه، ۱۳۹۲).

مدت تصدی حسابرسی: به مدت زمان همکاری یک مؤسسه حسابرسی با شرکت مورد رسیدگی اشاره دارد. عدم تغییر شرکای امضاءکننده گزارش حسابرسی در دو سال گذشته، امتیاز صفر، و غیر آن، امتیاز یک (صفرزاده و رفیعی، ۱۳۹۳).  
واحد حسابرسی داخلی: برای سنجش متغیر حاضر با استفاده از متغیر مجازی در صورتی که شرکت دارای واحد حسابرسی داخلی امتیاز یک، در غیر این صورت، امتیاز صفر (عبدالعزیز<sup>۷۹</sup>، ۲۰۱۴).

### ۵-۳- متغیرهای کنترلی

**AGE** (عمر): سنوات عمر پذیرش شرکت در بورس تا قلمرو زمانی تحقیق (ملازاده، ۱۳۹۵).  
**Firm SIZE** (اندازه شرکت): لگاریتم مانده دارایی‌های شرکت در پایان سال (ملازاده، ۱۳۹۵).  
**Profitable** (سودآوری): بازده دارایی‌ها به عنوان سودآوری شرکت (ملازاده، ۱۳۹۵).  
**R & D** (مخارج تحقیق و توسعه): هزینه تحقیق و توسعه‌ای درج شده در صورت‌های مالی شرکت‌های مورد مطالعه.  
**FD** (درماندگی مالی): به موضوع عدم تداوم فعالیت شرکت‌ها اشاره دارد. رابطه (۲) مدل درماندگی زمیجسکی<sup>۸۰</sup> (۱۹۸۴) را جهت سنجش این متغیر نشان می‌دهد.

پس از اعمال این محدودیت‌ها، ۱۱۰ شرکت، شرایط حضور در نمونه را داشته‌اند که علاوه بر اطلاعات درج شده صورت‌های مالی، مدیران این شرکت‌ها و حساب‌رسان مستقل آنها به عنوان مخاطبین پرسشنامه مورد سوال قرار گرفتند.

### ۵- متغیرهای پژوهش

متغیرهای این تحقیق به متغیرهای مستقل، وابسته، کنترلی و تعدیلگر تقسیم می‌شوند.

### ۵-۱- متغیر وابسته

هوش مالی مدیران: برای سنجش متغیر هوش مالی مدیران از پرسشنامه محقق ساخته استفاده می‌شود. بر اساس پژوهش نایت و برمن (۲۰۱۳) هوش مالی از چهار عامل درک مبانی (نیازمند درک پایه‌های اندازه‌گیری و سنجش صورت‌های مالی شامل صورت سود و زیان، ترازنامه، و صورت وجوه نقدی است)، درک هنری (افرادی که از لحاظ مالی هوشمند هستند، قادر به تشخیص این موضوع می‌باشند که در کجا جنبه‌های هنری مالی روی اعداد اعمال شده است، و می‌دانند که اعمال آنها به صورت‌های متفاوت چگونه به نتایج متفاوتی منجر می‌شود. آنها قادرند اعداد را به چالش بکشند و تفسیر درست آنها را مورد سؤال قرار دهند)، درک تحلیلی (توانایی محاسبه سودآوری، اهرم‌ها و نسبت‌های نقدینگی و کارایی و درک معنای نتایج است و انجام تحلیل<sup>۷۸</sup> ROI) و تفسیر نتایج هم بخشی از هوش مالی است) و درک کلان (درک نتایج مالی یک کسب و کار در چارچوب کلان جامعه است و این که عواملی از قبیل اقتصاد، محیط رقابتی، قوانین و فناوری‌های جدید، همه روی نحوه تفسیر اعداد مؤثر است) تشکیل شده است (نایت و برمن، ۲۰۱۳).

### ۵-۲- متغیر مستقل

کیفیت حسابرسی می‌باشد که از مؤلفه‌های زیر تشکیل شده است:

تخصص حسابرسی در صنعت: در پژوهش حاضر برای سنجش این متغیر عدم استفاده از حسابرسی متخصص صنعت، امتیاز صفر و در غیر این صورت، امتیاز یک. رابطه (۱) نحوه سنجش تخصص حسابرسی در صنعت (SPX) را با استفاده از رابطه کریشنا (۲۰۰۳) نشان می‌دهد:

$$SPEC_{i,k} = \frac{\sum_{j=1}^{I_k} ClientSales_{ijk}}{\sum_{j=1}^{I_k} \sum_{i=1}^{J_k} ClientSales_{ijk}}$$

رابطه (۲)

$$FM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 TENURE_{i,t} + \alpha_2 PBA_{i,t} + \alpha_3 TENURE * PBA_{i,t} + \alpha_4 AGE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 PROFIT_{i,t} + \alpha_7 R\&D_{i,t} + \alpha_8 FD_{i,t}$$

$$ZFS = -.4/336.4/513(ROA) + .5/679(Leverage) + .0/0.4(liquidity)$$

$$FM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 IA_{i,t} + \alpha_2 PBA_{i,t} + \alpha_3 IA * PBA_{i,t} + \alpha_4 AGE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 PROFIT_{i,t} + \alpha_7 R\&D_{i,t} + \alpha_8 FD_{i,t}$$

**ROA**: نرخ بازدهی دارایی‌ها که از تقسیم سود خالص بر جمع دارایی‌ها به دست می‌آید؛  
**Leverage**: اهرم بدهی است و از تقسیم کل بدهی بر بدهی جاری حاصل می‌شود؛

**Liquidity**: بیانگر نقدینگی است که در تحقیق حاضر نسبت جاری به عنوان شاخصی از نقدینگی منظور گردید.

هر چه این شاخص بالاتر باشد در ماندگی مالی هم افزایش خواهد یافت. مقادیر مثبت شاخص بیانگر بدتر شدن وضعیت مالی است (سپاسی و کاظم‌پور، ۱۳۹۴).

## ۷- یافته‌های پژوهش

### ۷-۱- آمار توصیفی

مفیدترین و در عین حال اولین قدم در سازماندهی داده‌ها مرتب کردن داده‌ها بر اساس یک ملاک منطقی است و سپس استخراج شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد. به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، خلاصه وضعیت آماره-های توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره (۴) ارائه شده است. تحلیل آماره‌های توصیفی در هر پژوهشی، یک دید کلی نسبت به داده‌های آن پژوهش فراهم می‌کند. همچنین آماره‌های توصیفی، شاخص‌های آماری را محاسبه و نتایج را در قالب جدول و نمودار طبقه‌بندی می‌کنند. آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، بیشینه و کمینه کلیه متغیرهای پژوهش است. همان‌طور که در نگاره (۴) مشاهده می‌شود میانگین هوش مالی مدیران ۳/۸۷۹ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیرها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. گستره تغییرات هوش مالی مدیران بین ۴/۸۰۰ تا ۱/۹۵۰ می‌باشد. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت داده‌ها را نشان می‌دهد. میانه متغیر هوش مالی مدیران برابر با ۳/۹۰۰ که نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر این مقدار هستند.

انحراف معیار داده‌ها، پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد. سودآوری با انحراف معیار ۰/۱۲۷ دارای کمترین پراکندگی از میانگین و متغیر مخارج تحقیق و توسعه با انحراف معیار ۸۶۸۳/۹۳۴ دارای بیشترین پراکندگی از میانگین است.

### ۵-۴- متغیر تعدیلگر

متغیر رفتار اخلاقی حسابرسان به عنوان متغیر تعدیلگر در نظر گرفته می‌شود. از دیدگاه کلی اصول اخلاقی را می‌توان در مقام مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های معنوی تعریف کرد (ساسانی و نعیمی، ۱۳۸۲). منبع اصول اخلاقی که به‌طور معمول در رشته حسابداری به آن ارجاع می‌شود، آیین رفتار حرفه‌ای حاکم بر حرفه است. برای سنجش این متغیر نیز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده می‌شود.

### ۶- مدل پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌ها به ترتیب از مدل‌های مرتبط با هر یک از فرضیه‌ها استفاده شده است:  
فرضیه اصلی:

$$FM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 QA_{i,t} + \alpha_2 PBA_{i,t} + \alpha_3 QA * PBA_{i,t} + \alpha_4 AGE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 PROFIT_{i,t} + \alpha_7 R\&D_{i,t} + \alpha_8 FD_{i,t}$$

فرضیه‌های فرعی:

$$FM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SPC_{i,t} + \alpha_2 PBA_{i,t} + \alpha_3 SPC * PBA_{i,t} + \alpha_4 AGE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 PROFIT_{i,t} + \alpha_7 R\&D_{i,t} + \alpha_8 FD_{i,t}$$

$$FM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 R_{i,t} + \alpha_2 PBA_{i,t} + \alpha_3 R * PBA_{i,t} + \alpha_4 AGE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 PROFIT_{i,t} + \alpha_7 R\&D_{i,t} + \alpha_8 FD_{i,t}$$

#### نگاره ۴- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
هوش مالی مدیران	FM	۳/۸۷۹	۳/۹۰۰	۴/۸۰۰	۱/۹۵۰	۰/۴۴۸
تخصص مؤسسه حسابرسی	SPC	۱/۲۶۶	۰/۳۳۰	۶/۰۸۷	۰/۰۰۱	۱/۶۳۶
شهرت حسابرسی	R	۰/۶۰۹	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۰
دوره تصدی حسابرسی	Tenure	۰/۷۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۰
وجود حسابرسی داخلی	IA	۰/۷۰۹	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۶
رفتار اخلاقی حسابرسان	PBA	۳/۹۵۷	۴/۱۱۶	۴/۸۶۶	۱/۶۶۶	۰/۵۹۲
عمر شرکت	Age	۲۰/۳۰۸	۲۰/۰۰۰	۴۹/۰۰۰	۸/۰۰۰	۷/۹۹۷
اندازه شرکت	Size	۱۴/۴۱۹	۱۴/۲۰۲	۱۹/۱۴۹	۱۱/۴۱۶	۱/۵۶۱
سودآوری	Profit	۰/۰۶۶	۰/۰۶۰	۰/۳۸۶	-۰/۴۰۰	۰/۱۲۷
مخارج تحقیق و توسعه	R&D	۱۶۷۱/۴۹۱	۰/۰۰۰	۷۶۷۱۴/۰۰	۰/۰۰۰	۸۶۸۳/۹۳۴
درماندگی مالی	FD	-۱/۰۳۱	-۰/۲۱۱	۱/۹۳۴	-۴۹/۲۴۲	۵/۸۳۶
تخصص مؤسسه حسابرسی * رفتار اخلاقی حسابرسان	SPC*PBA	۴/۹۷۱	۱/۳۳۱	۲۵/۱۶۲	۰/۰۴۷	۶/۵۰۸
شهرت حسابرسی * رفتار اخلاقی حسابرسان	R*PBA	۲/۴۰۵	۳/۵۸۳	۴/۸۶۶	۰/۰۰۰	۱/۹۹۵
دوره تصدی حسابرسی * رفتار اخلاقی حسابرسان	Tenure*PBA	۲/۷۶۷	۳/۸۱۶	۴/۸۶۶	۰/۰۰۰	۱/۸۷۰
وجود واحد حسابرسی داخلی * رفتار اخلاقی حسابرسان	IA*PBA	۲/۷۶۷	۳/۸۳۳	۴/۶۳۳	۰/۰۰۰	۱/۸۴۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

#### • مانایی متغیرهای پژوهش

نگاره (۵) نتایج نشان می‌دهد که مقدار این آماره برای هر کدام از متغیرها معنی‌دار می‌باشد و با توجه به سطح معناداری مورد گزارش ( $p\text{-value} < 0/05$ )، عدم وجود ریشه واحد و یا به عبارتی مانایی داده‌ها تأیید می‌شود.

قبل از انجام تحلیل داده‌ها لازم است که مانایی متغیرهای پژوهش بررسی گردد. آزمون مانایی بر اساس آزمون دیکی - فولر<sup>۸۱</sup> برای متغیرهای پژوهش انجام گرفته است. بر اساس

#### نگاره ۵- نتایج حاصل از آزمون مانایی

نام آزمون	نام متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری
دیکی - فولر	هوش مالی مدیران	-۵/۸۵۳	۰/۰۰۰
	تخصص مؤسسه حسابرسی	-۹/۸۱۷	۰/۰۰۰
	شهرت حسابرسی	-۱۱/۷۹۲	۰/۰۰۰
	دوره تصدی حسابرسی	-۸/۳۰۳	۰/۰۰۰
	وجود حسابرسی داخلی	-۱۰/۲۵۱	۰/۰۰۰
	رفتار اخلاقی حسابرسان	-۷/۹۴۴	۰/۰۰۰
	عمر شرکت	-۵/۴۴۵	۰/۰۰۰
	اندازه شرکت	-۷/۱۸۱	۰/۰۰۰
	سودآوری	-۷/۲۴۵	۰/۰۰۰
	مخارج تحقیق و توسعه	-۶/۹۹۱	۰/۰۰۰
	درماندگی مالی	-۰/۷۱۰	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### • بررسی مفروضات مدل رگرسیونی خطی

مجموعه‌ای از فروض، تحت عنوان فروض کلاسیک رگرسیون وجود دارد که در مورد جمله باقی‌مانده (خطای مدل) مطرح می‌گردد. از بین فروض کلاسیک، برای این پژوهش از آزمون ناهمسانی واریانس و هم‌چنین آزمون هم‌خطی استفاده شده است. جهت بررسی عدم وجود ناهمسانی واریانس از آزمون وایت<sup>۸۲</sup> و جهت بررسی هم‌خطی از آزمون وی ای اف<sup>۸۳</sup> استفاده شده است. لذا در ادامه، نحوه آزمون این مفروضات بیان شده و سپس نتایج حاصل از برآوردهای انجام شده تشریح می‌گردد.

آماره‌های تورم واریانس) در نگاره آزمون هر یک از فرضیه‌ها و مدل‌های پژوهش مطرح شده و آزمون می‌شود.

### نگاره ۷- نتایج حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جزء خطا

فرضیه	آماره F	احتمال	نتیجه
اول	۱/۸۶۹	۰/۰۱۲	ناهمسانی واریانس جزء خطا
دوم	۱/۴۶۰	۰/۰۸۲	همسانی واریانس جزء خطا
سوم	۲/۲۵۴	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا
چهارم	۱/۱۵۱	۰/۲۹۸	همسانی واریانس جزء خطا

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### • آزمون نرمال بودن متغیر وابسته

در پژوهش حاضر جهت نرمال بودن متغیر وابسته از آزمون جارک-برا<sup>۸۴</sup> استفاده شده است. همان‌طور که در نگاره (۶) مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ است و فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر تأیید می‌شود. بنابراین بر اساس این آزمون، توزیع این متغیر نرمال است.

### ۷-۲- آزمون فرضیه‌های پژوهش

#### ➤ آزمون فرضیه اول

فرضیه فرعی اول تحت عنوان "بین هوش مالی مدیران و تخصص حسابرسان با تأکید بر رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه وجود دارد" می‌باشد. نتایج آزمون این فرضیه در نگاره (۸) آورده شده است. همان‌طور که در نگاره مذکور دیده می‌شود، مقدار ضریب تعدیل تعیین شده مدل (۰/۳۰۲) می‌باشد که نشان‌دهنده توازن توضیح‌دهندگی مدل به منظور تشریح متغیر وابسته می‌باشد. معناداری آماره فیشر (۵/۷۳۷) بیان‌کننده معناداری کلی مدل برآوردی است. مقدار آماره دوربین واتسون ۱/۹۹۳ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیرهای مدل، خودهمبستگی وجود ندارد. میانگین آماره‌های تورم واریانس، کمتر از ۱۰ است و این مقدار حکایت از این دارد که مشکل هم‌خطی در مدل اصلی وجود ندارد. فرضیه  $H_0$  به معنای عدم وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش است و فرضیه مقابل آن فرضیه  $H_1$  به معنای تأیید فرضیه وجود رابطه معنادار بین متغیرها است، با توجه به نگاره (۸) و مقدار احتمال به دست آمده (۰/۰۲۳) فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  پذیرفته می‌شود؛ در نتیجه فرضیه اول تأیید می‌شود.

نتایج نگاره (۸) نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل تخصص حسابرسان و هوش مالی مدیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هم‌چنین در نتایج خروجی نگاره (۸) سطح احتمال متغیر  $SPC^*PBA$  (با ضریب ۰/۱۱۷) کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۳۷) است که بیانگر این است که رفتار اخلاقی حسابرسان بر رابطه بین تخصص حسابرسان و هوش مالی مدیران دارای تأثیر معناداری است و رابطه مثبت بین دو متغیر را تشدید می‌کند؛ که بر این اساس فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی نیز اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با هوش مالی مدیران دارد؛ سایر متغیرهای کنترلی فاقد رابطه معنادار با متغیر وابسته هستند.

### نگاره ۶- نتایج حاصل از آزمون مانایی

نام آزمون	نام متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری
جارک-برا (Jarque-Bera)	هوش مالی مدیران	۰/۶۵۷	۰/۷۱۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### • آزمون ثابت بودن واریانس جزء خطا

یکی از فروض رگرسیون خطی این است که، تمامی جملات باقی‌مانده دارای واریانس برابر باشند. در عمل به دلایل مختلفی از جمله شکل نادرست تابع مدل، وجود نقاط پرت، شکست ساختاری در جامعه و ... ممکن است شاهد پدیده ناهمسانی واریانس باشیم. برای بررسی این مشکل آزمون‌های مختلفی توسط اقتصاددانان معرفی شده است. در این پژوهش از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج این آزمون در نگاره (۷) نشان می‌دهد که در مدل اول و سوم، فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد می‌شود. بنابراین به منظور رفع ناهمسانی واریانس در این مدل‌ها از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌کنیم؛ اما در دو مدل دوم و چهارم فرضیه صفر رد نمی‌شود و مشکل ناهمسانی واریانس وجود ندارد. نتایج آزمون سایر فرض‌های کلاسیک رگرسیون (آزمون دوربین - واتسون<sup>۸۵</sup> برای بررسی وجود خودهمبستگی بین متغیرهای مدل و آزمون مشکل هم‌خطی در مدل اصلی با



نگاره ۸- نتایج تخمین نهایی مدل (۱)

$FM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SPC_{i,t} + \alpha_2 PBA_{i,t} + \alpha_3 SPC * PBA_{i,t} + \alpha_4 AGE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 PROFIT_{i,t} + \alpha_7 R \& D_{i,t} + \alpha_8 FD_{i,t}$						
متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره T	احتمال	آماره VIF
تخصص حسابرِس	SPC	۰/۵۰۴	۰/۲۲۰	۰/۲۹۳	۰/۰۲۳	۱/۷۰۳
رفتار اخلاقی حسابرسان	PBA	۰/۳۵۰	۰/۰۹۰	۳/۸۶۷	۰/۰۰۸	۱/۳۵۰
تخصص حسابرِس * رفتار اخلاقی حسابرسان	SPC*PBA	۰/۱۱۷	۰/۰۵۵	۲/۱۱۲	۰/۰۳۷	۱/۱۹۸
عمر شرکت	AGE	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۱/۲۷۳	۰/۲۰۵	۱/۴۱۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۱۵۷	۰/۰۲۴	۶/۳۱۰	۰/۰۰۰	۱/۵۲۲
سودآوری	PROFIT	۰/۴۲۳	۰/۴۳۲	۰/۹۷۹	۰/۳۲۹	۱/۳۸۷
مخارج تحقیق و توسعه	RD	۳/۶۲	۶/۴۹	۰/۵۵۷	۰/۵۷۸	۱/۱۷۵
درماندگی مالی	FD	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	-۰/۳۱۴	۰/۷۵۳	۱/۱۱۵
AR(1)		۰/۶۰۳	۰/۰۸۴	۷/۱۵۵	۰/۰۰۰	۱/۱۶۶
ضریب تعیین ۰/۳۶۶			دوربین واتسون ۱/۹۹۳			
ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۰۲			آماره فیشر (معناداری) ۵/۷۳۷ (۰/۰۰۰)			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

➤ آزمون فرضیه دوم

واتسون ۲/۰۰۳ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیرهای مدل، خودهمبستگی وجود ندارد. میانگین آماره‌های تورم واریانس، کمتر از ۱۰ است و این مقدار حکایت از این دارد که مشکل هم‌خطی در مدل اصلی وجود ندارد. فرضیه  $H_0$  به معنای عدم وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش است و فرضیه مقابل آن فرضیه  $H_1$  به معنای تأیید فرضیه و وجود رابطه معنادار بین متغیرها است، با توجه به نگاره (۹) و مقدار احتمال به دست آمده (۰/۰۰۷) فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  پذیرفته می‌شود؛ در نتیجه فرضیه دوم تأیید می‌شود.

فرضیه فرعی دوم تحت عنوان "بین هوش مالی مدیران و شهرت حسابرِس با تأکید بر رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه وجود دارد" می‌باشد. نتایج آزمون این فرضیه در نگاره (۹) آورده شده است. همان‌طور که در نگاره مذکور دیده می‌شود، مقدار ضریب تعدیل تعیین شده مدل (۰/۲۸۵) می‌باشد که نشان دهنده توازن توضیح‌دهندگی مدل به منظور تشریح متغیر وابسته می‌باشد. معناداری آماره فیشر (۵/۳۶۴) بیان‌کننده معناداری کلی مدل برآوردی است. مقدار آماره دوربین

نگاره ۹- نتایج تخمین نهایی مدل (۲)

$FM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 R_{i,t} + \alpha_2 PBA_{i,t} + \alpha_3 R * PBA_{i,t} + \alpha_4 AGE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 PROFIT_{i,t} + \alpha_7 R \& D_{i,t} + \alpha_8 FD_{i,t}$						
متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره T	احتمال	آماره VIF
شهرت حسابرِس	R	۲/۸۰۰	۰/۵۸۷	۴/۷۷۱	۰/۰۰۷	۱/۲۳۸
رفتار اخلاقی حسابرسان	PBA	۰/۵۶۳	۰/۱۰۱	۵/۵۴۵	۰/۰۲۸	۱/۳۳۷
شهرت حسابرِس * رفتار اخلاقی حسابرسان	R*PBA	۰/۶۵۶	۰/۱۴۷	۴/۴۵۶	۰/۰۱۳	۱/۳۵۲
عمر شرکت	AGE	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۷۰۶	۰/۴۸۱	۱/۳۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۱۰۲	۰/۰۲۶	۳/۷۹۰	۰/۰۰۳	۱/۵۹۴
سودآوری	PROFIT	۰/۸۴۸	۰/۴۰۷	۲/۰۸۱	۰/۰۳۹	۱/۴۷۴
مخارج تحقیق و توسعه	RD	۲/۶۶	۵/۸۱	۰/۴۵۷	۰/۶۴۸	۱/۰۶۶
درماندگی مالی	FD	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۹	-۰/۷۹۱	۰/۴۳۰	۱/۱۷۷
AR(1)		۰/۴۶۶	۰/۰۸۲	۵/۶۳۳	۰/۰۰۰	۱/۰۸۶
ضریب تعیین ۰/۳۵۱			دوربین واتسون ۲/۰۰۳			
ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۸۵			آماره فیشر (معناداری) ۵/۳۶۴ (۰/۰۰۰)			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

کلی مدل برآوردی است. مقدار آماره دوربین واتسون ۱/۹۹۱ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیرهای مدل، خودهمبستگی وجود ندارد. میانگین آماره‌های تورم واریانس، کمتر از ۱۰ است و این مقدار حکایت از این دارد که مشکل هم‌خطی در مدل اصلی وجود ندارد. فرضیه  $H_0$  به معنای عدم وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش است و فرضیه مقابل آن فرضیه  $H_1$  به معنای تأیید فرضیه و وجود رابطه معنادار بین متغیرها است، با توجه به نگاره (۱۰) و مقدار احتمال به‌دست آمده (۰/۰۱۴) فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  پذیرفته می‌شود؛ در نتیجه فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. نتایج نگاره (۱۰) نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل دوره تصدی حسابرسی و هوش مالی مدیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و سطح احتمال متغیر رفتار اخلاقی حسابرسان  $TENURE*PBA$  (با ضریب ۰/۷۲۱) کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۰۶) است که بیانگر این است که رفتار اخلاقی حسابرسان بر رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و هوش مالی مدیران دارای تأثیر معناداری است و رابطه مثبت بین دو متغیر را تشدید می‌کند؛ بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با هوش مالی مدیران دارد؛ سایر متغیرهای کنترلی فاقد رابطه معنادار با متغیر وابسته‌اند

نتایج نگاره (۹) نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل شهرت حسابرسی و هوش مالی مدیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و سطح احتمال متغیر رفتار اخلاقی حسابرسان  $R*PBA$  (با ضریب ۰/۶۵۶) کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۱۳) است که بیانگر این است که رفتار اخلاقی حسابرسان بر رابطه بین شهرت حسابرسی و هوش مالی مدیران دارای تأثیر معناداری است و رابطه مثبت بین دو متغیر را تشدید می‌کند؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و سودآوری رابطه مثبت و معناداری با هوش مالی مدیران دارد؛ سایر متغیرهای کنترلی فاقد رابطه معنادار با متغیر وابسته هستند.

### ➤ آزمون فرضیه سوم

فرضیه فرعی سوم تحت عنوان "بین هوش مالی مدیران و دوره تصدی حسابرسی با تأکید بر رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه وجود دارد" می‌باشد. نتایج آزمون این فرضیه در نگاره (۱۰) آورده شده است. همان‌طور که در نگاره مذکور دیده می‌شود، مقدار ضریب تعدیل تعیین شده مدل (۰/۳۰۴) می‌باشد که نشان دهنده توازن توضیح‌دهندگی مدل به منظور تشریح متغیر وابسته می‌باشد. بدین معنی که حدود ۳۰/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط مدل قابل تبیین می‌باشد. معناداری آماره فیشر (۵/۷۵۹) بیان‌کننده معناداری

### نگاره ۱۰- نتایج تخمین نهایی مدل (۳)

$FM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 TENURE_{i,t} + \alpha_2 PBA_{i,t} + \alpha_3 TENURE*PBA_{i,t} + \alpha_4 AGE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 PROFIT_{i,t} + \alpha_7 R\&D_{i,t} + \alpha_8 FD_{i,t}$						
متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره T	احتمال	آماره VIF
دوره تصدی حسابرسی	TENURE	۲/۸۷۹	۰/۶۱۷	۴/۶۶۳	۰/۰۱۴	۱/۲۸۶
رفتار اخلاقی حسابرسان	PBA	۰/۴۸۵	۰/۰۹۱	۵/۲۸۵	۰/۰۲۵	۱/۲۵۸
دوره تصدی حسابرسی * رفتار اخلاقی حسابرسان	TENURE*PBA	۰/۷۲۱	۰/۱۵۶	۴/۶۰۲	۰/۰۰۶	۱/۱۵۰
عمر شرکت	AGE	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۱/۰۷۲	۰/۲۸۵	۱/۳۱۶
اندازه شرکت	SIZE	۰/۱۲۴	۰/۰۲۴	۵/۰۷۲	۰/۰۰۰	۱/۶۱۹
سودآوری	PROFIT	۰/۰۵۰	۰/۴۱۹	۰/۱۱۹	۰/۹۰۵	۱/۳۴۲
مخارج تحقیق و توسعه	RD	۷/۰۳	۵/۹۵	۱/۱۸۱	۰/۲۴۰	۱/۱۰۶
درماندگی مالی	FD	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	-۱/۰۵۳	۰/۲۹۴	۱/۱۶۲
AR(1)		۰/۶۰۳	۰/۰۸۵	۷/۰۹۲	۰/۰۰۰	۱/۱۱۶
ضریب تعیین ۰/۳۶۷			دوربین واتسون ۱/۹۹۱			
ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۰۴			آماره فیشر (معناداری) ۵/۷۵۹ (۰/۰۰۰)			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### ➤ آزمون فرضیه چهارم

فرضیه فرعی چهارم تحت عنوان "بین هوش مالی مدیران و وجود واحد حسابرسی داخلی با تأکید بر رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه وجود دارد" می‌باشد. نتایج آزمون این فرضیه در نگاره (۱۱) آورده شده است. همان‌طور که در نگاره مذکور دیده می‌شود مقدار ضریب تعدیل تعیین شده مدل (۰/۲۹۹) می‌باشد که نشان‌دهنده توازن توضیح‌دهندگی مدل به منظور تشریح متغیر وابسته می‌باشد. معناداری آماره فیشر (۵/۶۶۶) بیان‌کننده معناداری کلی مدل برآوردی است. مقدار آماره دوربین واتسون ۱/۹۳۰ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیرهای مدل، خودهمبستگی وجود ندارد. میانگین آماره‌های تورم واریانس، کمتر از ۱۰ است و این مقدار حکایت از این دارد که مشکل هم‌خطی در مدل اصلی وجود ندارد. به‌طور کلی فرضیه  $H_0$  به معنای عدم وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش است و فرضیه مقابل آن فرضیه  $H_1$  به معنای تأیید فرضیه و وجود رابطه معنادار بین متغیرها است. همان‌طور که نتایج نگاره (۱۱) نشان می‌دهد با توجه به ضریب متغیر وجود حسابرسی داخلی و مقدار احتمال به‌دست آمده (۰/۰۰۰) که کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  پذیرفته می‌شود؛ در نتیجه فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر بین متغیر وجود حسابرسی داخلی و هوش مالی مدیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

هم‌چنین در نتایج خروجی نگاره (۱۱) سطح احتمال متغیر  $IA^*PBA$  (با ضریب ۰/۷۹۷) کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۰۰) است و بیانگر این است که رفتار اخلاقی حسابرسان بر رابطه بین وجود حسابرسی داخلی و هوش مالی مدیران دارای تأثیر معناداری است و رابطه مثبت بین دو متغیر را تشدید می‌کند؛ بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌گردد. از بین متغیرهای کنترلی نیز متغیر تحقیق و توسعه رابطه مثبت و معناداری با هوش مالی مدیران دارد؛ سایر متغیرهای کنترلی فاقد رابطه معنادار با متغیر وابسته هستند. در نتیجه آزمون هر ۴ فرضیه پژوهش که به بررسی رابطه بین متغیر هوش مالی مدیران و کیفیت حسابرسی (تخصص حسابرسی در صنعت، شهرت حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی، وجود حسابرسی داخلی) پرداخته شده بود نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه مثبت و معناداری وجود دارد یعنی با افزایش تخصص حسابرسی در صنعت مربوطه، حسن شهرت حسابرسی، افزایش دوره همکاری حسابرسی خاص با شرکت، وجود حسابرسان داخلی، مهارت‌های مالی مدیران بایستی افزایش یافته و عملکرد آنها نیز بهتر گردد.

هم‌چنین در این فرضیه‌ها متغیر رفتار اخلاقی حسابرسی دارای نقش تعدیلگری بوده و شدت رابطه مثبت بین متغیرهای مستقل و وابسته را تأیید می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که هر ۴ فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده‌اند.

### نگاره ۱۱- نتایج تخمین نهایی مدل (۴)

$FM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 IA_{i,t} + \alpha_2 PBA_{i,t} + \alpha_3 IA^*PBA_{i,t} + \alpha_4 AGE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 PROFIT_{i,t} + \alpha_7 R\&D_{i,t} + \alpha_8 FD_{i,t}$						
متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره T	احتمال	آماره VIF
وجود حسابرسی داخلی	IA	۳/۲۵۰	۰/۶۸۴	۴/۷۴۵	۰/۰۰۰	۱/۵۱۹
رفتار اخلاقی حسابرسان	PBA	۰/۶۵۳	۰/۱۲۹	۵/۰۳۰	۰/۰۰۰	۱/۶۵۴
وجود واحد حسابرسی داخلی * رفتار اخلاقی حسابرسان	IA*PBA	۰/۷۹۷	۰/۱۵۷	۵/۰۷۳	۰/۰۰۰	۱/۷۴۴
عمر شرکت	AGE	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۱۰۵	۰/۹۱۶	۱/۳۷۹
اندازه شرکت	SIZE	۱/۰۸۳	۰/۰۴۳	۱/۹۰۰	۰/۰۶۰	۱/۶۷۲
سودآوری	PROFIT	۰/۴۷۰	۰/۵۱۷	۰/۹۰۹	۰/۳۶۵	۱/۳۲۵
مخارج تحقیق و توسعه	RD	۵/۴۶	۲/۲۶	۲/۴۱	۰/۰۱۷	۱/۰۶۶
درماندگی مالی	FD	-۰/۰۱۰	۰/۰۱۷	-۰/۶۰۸	۰/۵۴۴	۱/۳۹۰
AR(1)		۰/۵۸۶	۰/۰۸۳	۶/۹۹۴	۰/۰۰۰	۱/۱۸۴
ضریب تعیین	۰/۳۶۰					
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۹۹					
		دوربین واتسون ۱/۹۳۰				
		آماره فیشر (معناداری) ۵/۶۶۶ (۰/۰۰۰)				

مأخذ: یافته‌های پژوهش

## ۸- نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین هوش مالی مدیران و کیفیت حسابرسی با نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد بین هوش مالی مدیران و تخصص حسابرسان در موضوع رسیدگی با در نظر گرفتن نقش تعدیلی رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تخصص حسابرسان در صنعت به‌طور مستقیم به اعتبار ارائه شده به وسیله حسابرسان کمک می‌کند. تخصص صنعت حسابرسان، استراتژی تمایز بین مؤسسات حسابرسی محسوب می‌شود که به مؤسسات حسابرسی امکان می‌دهد تا خودشان را از رقبای خود در انجام تقاضای مشتریان خود متمایز سازند و مؤسسات حسابرسی را قادر می‌سازد تا در ویژگی‌هایی غیر از قیمت، با رقبای خود به رقابت پردازند. حسابرسان متخصص به این دلیل که سهم بالایی از شرکت‌های یک صنعت را رسیدگی می‌کنند دارای تجربی هستند که سایر حسابرسان، آن تجربه‌ها را ندارند؛ بنابراین توانایی آنها برای کشف تحریف‌ها و اشتباه‌های با اهمیت در اطلاعات افشاء شده صاحبکار بیش از سایر حسابرسان است. علاوه بر این آنها سعی می‌کنند حداقل برای حفظ شهرت و سهم خود از بازار با رعایت رفتارهای اخلاقی و حرفه‌ای، کیفیت حسابرسی را افزایش دهند. این یافته‌ی پژوهش بیانگر آن است که مدیران شرکت‌ها با هوش مالی خود می‌توانند، با انتخاب حسابرسان متخصص سعی بر کاهش هزینه سرمایه از طریق افزایش کیفیت حسابرسی نمایند. این نتیجه منطبق با نتایج تحقیقات صالحی (۱۳۹۵)، احمد (۲۰۱۰)، امانوئل (۲۰۰۶) است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد بین هوش مالی مدیران و وجود شهرت حسابرسان (مؤسسه) با در نظر گرفتن نقش تعدیلی رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در مؤسسه‌های با قدمت بیشتر، نام تجاری و برند ایجاد شده برای مؤسسه سبب می‌گردد تا حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی باشند. مؤسسات حسابرسی بزرگ (مثل سازمان حسابرسی) حُسن شهرت بالایی دارند؛ بدیهی است این مؤسسات برای حفظ این سرمایه بی‌ظنیر و موصون ماندن از تلاطم‌های اخلاقی و خدشه‌دار شدن اعتبار حرفه‌ای، خود را ملزم به رفتارهای اخلاقی می‌دانند. مدیران شرکت‌ها با هوش مالی خود می‌توانند از طریق انتخاب حسابرسان با حُسن شهرت بالا، رفتار اخلاقی حسابرسان و به تبع آن کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند. این نتیجه منطبق با نتایج تحقیقات چوی و همکاران (۲۰۱۵)، حساس

یگانه و همکاران (۱۳۹۲)، شفیع‌رچی و همکاران (۱۳۹۲)، صالحی (۱۳۹۵) است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد بین هوش مالی مدیران و مدت تصدی حسابرسان (مؤسسه) با در نظر گرفتن نقش تعدیلی رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. حسابرسان با گذشت زمان شناخت بهتری از فعالیت‌های صاحبکار به دست می‌آورند و تجربه بیشتری کسب می‌کنند و توانایی‌هایشان در اظهار نظر راجع به مناسب بودن یا نبودن رویه‌های حسابرسی و حسابداری و گزارشگری افزایش می‌یابد. شناخت به همراه ماندگاری حسابرسان در واحد تجاری، باعث می‌شود حسابرسان تا حدودی تبدیل به حسابرسان متخصص شده و ضمن رعایت موازین اخلاقی، کیفیت حسابرسی را ارتقاء دهند. تغییر حسابرسان باعث خواهد شد اعتماد سرمایه‌گذاران به اتکاء‌پذیری صورت‌های مالی کاهش یافته و از این رو اعتبار حسابرسان کاهش پیدا کند. از سوی دیگر هزینه‌های حسابرسی هم، چه برای حسابرسان و چه برای صاحبکار، افزایش خواهد یافت. لذا مدیران با توجه به این مهم، سعی بر افزایش دوره تصدی حسابرسان دارند تا از این طریق آنها را به حفظ رعایت موازین اخلاقی تشویق و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند. این نتیجه منطبق با نتایج تحقیقات هو و همکاران (۲۰۱۰)، سجادی و همکاران (۱۳۹۱)، دارابی و همکاران (۱۳۹۲)، نیک‌بخت و همکاران (۱۳۹۵)، حسینی و پزشکیان (۱۳۹۶) است. اما مغایر نتایج تحقیق بولین و همکاران (۲۰۱۴) است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد بین هوش مالی مدیران و وجود حسابرسی داخلی با در نظر گرفتن رفتار اخلاقی حسابرسان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از حسابرسان داخلی به عنوان سنگ بنای نظام راهبری شرکتی، انتظار می‌رود که در راستای تنظیم امور شرکت و کمک به حصول اطمینان از این که رفتار اخلاقی از بالا به پایین در بین کارمندان جریان دارد، با کمیته‌ی حسابرسی داخلی، هیئت مدیره و مدیریت ارشد و حسابرسان مستقل همکاری نمایند. از آنجا که برخی از ابزارهای دستیابی به هدف‌های مورد نظر حسابرسان مستقل و داخلی یکسان است، قطعاً پاره‌ای از کارهای واحد حسابرسی داخلی می‌تواند در تعیین نوع و ماهیت، زمان‌بندی اجرا و حدود روش‌های حسابرسی مستقل مفید واقع شود. واحد حسابرسی داخلی جزئی از واحد اقتصادی است و مدیران شرکت‌ها با مهارت‌های مالی خود و همچنین با ایجاد بستر مناسب این مکانیسم کنترلی می‌توانند با کمک در جهت شناخت ساختار کنترل داخلی صاحبکار، کیفیت و رفتار اخلاقی حسابرسان را بهبود

بخشند. این نتیجه منطبق با نتایج تحقیقات یاهیل و کرمیل (۲۰۱۶)، نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵) است.

بنا بر نتایج پژوهش، با توجه به نقش تعدیلی رفتار اخلاقی حسابرسان می‌توان گفت که کیفیت حسابرسی تحت تأثیر رفتار اخلاقی حسابرسان قرار می‌گیرد و این مهم را باید در خصوص کیفیت گزارشگری سالانه در نظر داشت و مدیران شرکت‌ها با هوش مالی خود با انتخاب حسابرس متخصص، حسابرس با حسن شهرت، افزایش دوره تصدی حسابرس و بهبود عملکرد حسابرسی داخلی، می‌توانند کیفیت حسابرسی را با در نظر گرفتن رفتار اخلاقی حسابرسان مطلوب سازند. با توجه نتایج پژوهش، پیشنهادهای زیر برای ذینفعان و محققان پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود:

(۱) با توجه به نتایج فرضیه فرعی اول پژوهش پیشنهاد می‌گردد که مدیران شرکت‌ها با بهبود محیط اطلاعاتی و مهارت‌های مالی خود، در هنگام انتخاب حسابرس و بازرسی شرکت به عواملی هم‌چون سابقه و تخصص وی در صنعت و سایر عوامل مطرح در دیگر فرضیه‌های این پژوهش دقت کنند. چرا که شناخت حسابرس از صنعت، موجب افزایش کیفیت حسابرسی به واسطه بهبود قضاوت‌های حسابرسی، بهبود در دقت برای کشف اشتباهات و هم‌چنین بر میزان پایبندی حسابرسان به آیین رفتار اخلاق حرفه‌ای اثرگذار است.

(۲) در راستای نتایج فرضیه فرعی دوم پژوهش به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد ضمن ارتقاء دانش و مهارت‌های مالی خود، مؤسسات با قدمت بیشتر را به عنوان حسابرس برگزینند زیرا قدمت بیشتر می‌تواند برای مؤسسه باعث ایجاد شهرت تجاری شده و مؤسسه برای حفظ این نام تجاری و خوشنامی خود در حفظ و افزایش کیفیت گزارش خود تلاش لازم را خواهد نمود. علاوه بر این مؤسسه‌های با قدمت بیشتر نسبت به موازین اخلاقی حساسیت بیشتری دارند.

(۳) با توجه به نتایج فرضیه فرعی سوم پژوهش و برخی تحقیق‌های مشابه داخلی و خارجی مبنی بر این‌که با افزایش دوره تصدی حسابرس، کیفیت حسابرسی را افزایش می‌یابد، پیشنهاد می‌شود سازمان بورس و اوراق بهادار نتایج حاصل از دستورالعمل مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۷ خود در خصوص چرخش اجباری حسابرس را در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مورد ارزیابی مجدد قرار دهد و در صورت نیاز در این مصوبه تجدیدنظر شود. ثانیاً مدیران شرکت‌ها جهت استفاده بهینه از خدمات حسابرسی و انجام حسابرسی با کیفیت، حتی- الامکان از تغییر حسابرس تا زمان مجاز (۴ سال مجاز در ایران) خودداری نمایند و در ادامه اینکه سازمان بورس شرکت‌ها را ملزم کند که در صورت تغییر حسابرس، دلیل این تغییر را به

صورت عمومی افشاء کنند، چرا که این موضوع نه تنها به حیثیت حرفه‌ای شرکت‌ها لطمه‌ای وارد نکرده بلکه اتهامات وارده بر این مؤسسات را بی‌اعتبار می‌کند و این خود باعث تقاضا برای خدمات حسابرسی مطلوب و افزایش استقلال حسابرس است. در مقابل مؤسسات حسابرسی نیز برای داشتن حسابرسی با کیفیت بیشینه، پرتفوی مشتریان خود را گسترده سازند تا بدین صورت بر استقلال خود نسبت به صاحبکاران بیفزایند.

(۴) با توجه به نتیجه فرضیه فرعی چهارم پژوهش و اهمیت و نقش واحد حسابرسی داخلی و هم‌چنین الزام شرکت‌های بورسی به داشتن حسابرسی داخلی از سال ۹۱ و با در نظر گرفتن جنبه‌های هوش پژوهش حاضر به منظور استفاده از خدمات حسابرسی داخلی در جهت افزایش کیفیت استفاده از سایر خدمات حسابرسان داخلی، باور خدمات حسابرسی داخلی توسط مدیران ارتقاء داده شود. وجود یک واحد حسابرسی کارا می‌تواند منجر به کاهش زمان، حجم و در پی آن هزینه حسابرسی مستقل شود. اما عدم آشنایی مدیران شرکت‌ها به این مهم سبب نادیده انگاشتن آن شده است. بنابراین بایستی در جهت استفاده از خدمات حسابرسی داخلی در جهت کاهش هزینه‌ها و استفاده از سایر خدمات حسابرسان داخلی آموزش- های لازم به مدیران داده شود. از طرفی در صورت بی‌طرفانه عمل کردن واحد حسابرسی داخلی کارایی و عملکرد آن بهبود یافته و حسابرسان مستقل می‌توانند اتکای بیشتری بر عملکرد ایشان داشته باشند. لذا در جهت افزایش بی‌طرفی حسابرسان داخلی بایستی مهارت‌های لازم اخلاق حرفه‌ای به ایشان داده شود.

(۵) در راستای نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های ناظر و حاکم بر حرفه حسابرسی، کارگاه‌هایی در مورد استانداردهای حسابرسی و کار حرفه‌ای و قوانین اخلاقی حسابرسی به‌طور خاص و متوالی برگزار کنند و ضمن ایجاد یک ابزار تشویقی برای داشتن حسابرسان متعهد به اخلاق، مبنای منطقی برای تعیین هزینه‌های حسابرسی تدوین شود و رقابت ناعادلانه محدود شود. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز با تدوین چند واحد درسی در خصوص رفتار اخلاقی حاکم بر حرفه در سرفصل رشته‌های مرتبط با حرفه، به این مهم جامعه‌ی عمل بپوشانند.

ضمناً به محققان آتی پیشنهاد می‌شود با توجه به این‌که تصمیم‌های مدیریت، نقش مهمی در کارایی و یا عدم کارایی سرمایه‌گذاری دارد، در خصوص ارتباط بین میزان هوش مالی مدیران و کارایی سرمایه‌گذاری مطالعاتی انجام گیرد. هم- چنین در پژوهش حاضر جهت سنجش هوش مالی و رفتار

- دانشکده مدیریت دانشگاه قم.
- \* بینشیان، زهرا، دهدار، فرهاد (۱۳۹۶). ارائه مدل رابطه هوش مالی با گرایش‌های رفتاری و اثر آنها در تصمیمات سرمایه‌گذاری بر اساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۲۲۱-۲۰۳.
- \* پاک‌مرام، عسگر، بحری‌ثالث، جمال (۱۳۹۶). تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی: مطالعه تجربی با شواهدی از عرضه اولیه سهام، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۱۳۰-۱۱۷.
- \* پورموسی، علی اکبر (۱۳۸۸). اهمیت حسابرسی داخلی در دیدگاه مدیران، نشریه حسابرسی، شماره ۴۴ و ۴۵، صص ۱۰۹-۱۰۲.
- \* پیری، پرویز، شیخ محمدی، امیر، جوادی، نعمت‌الله (۱۳۹۲). ارتباط بین اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد صاحبکاران مؤسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی، مجله دانش حسابرسی، سال ۱۳، شماره ۵۱، صص ۲۴-۵.
- \* جباری، حسین، رحمانی، حلیمه (۱۳۸۹). سنجش ملاحظات اخلاقی در حسابداری، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، سال ۵، شماره ۳، صص ۴۷-۵۶.
- \* حاجیه‌ها، زهره (۱۳۹۴). بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی حسابرسی مستمر مبتنی بر حسابرسی داخلی شرکت‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ۸، شماره ۲۶، پائیز ۱۳۹۴، صص ۸۰-۶۵.
- \* حاجیه‌ها، زهره، برادران حسن‌زاده، رسول، احمدزاده، یونس (۱۳۹۱). بررسی تأثیر تخصص صنعت و دوره تصدی حسابرسی بر مدیریت سود (با تأکید بر صورت‌های مالی میان دوره‌ای) در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال ۱۲، شماره ۴۹، صص ۸۴-۶۹.
- \* حساس یگانه، یحیی، آذین‌فر، کاوه (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۱، صص ۹۸-۸۵.
- \* حساس یگانه، یحیی، کاظم‌پور، احسان (۱۳۹۲). رابطه سطح مهارت حسابرسان با حساسیت و قضاوت اخلاقی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۲، صص ۷۰-۵۳.
- \* حساس یگانه، یحیی، محمودی، مهدی، پناهی، سونیا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر عوامل کیفی حسابرسی بر ارزیابی عملکرد مدیریت در تبیین ارزش ایجاد شده برای اخلاقی حسابرسان از پرسشنامه استفاده شده است، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی از ابزارهای دیگری استفاده شده و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مقایسه گردد. به منظور درک وجود تفاوت در یافته‌های مربوط به پژوهشگران مختلف، نباید محدودیت‌های ذاتی و غیرقابل کنترل در انجام پژوهش را از نظر دور داشت. یکی از این محدودیت‌ها، عدم کنترل بعضی از عوامل مؤثر بر نتایج تحقیق از جمله تأثیر متغیرهایی مانند عوامل اقتصادی، سیاسی، قوانین و... است که خارج از دسترس محقق بوده و ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد. از دیگر محدودیت‌ها، عدم تعدیل اقلام صورت‌های مالی به واسطه وجود تورم و محدودیت ذاتی پرسشنامه است که ممکن است بر نتایج تحقیق تأثیرگذار که باید به یافته‌ها با دیده احتیاط بیشتری نگریست.
- ### فهرست منابع
- \* آقاسی، سعید، آقاسی، احسان، بیگلری، سحر (۱۳۹۵). بررسی رابطه تحمل ریسک مالی و ویژگی‌های سرمایه‌گذاران (هوش مالی، مهارت مدیریت مالی، ثروت بر اساس مدل بومی شده دونالد مطالعه موردی: بورس اوراق بهادار تهران)، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، مطالعات مالی، پاییز ۹۵، شماره ۳۱، علمی پژوهشی (ISC)، صص ۳۴-۲۱.
- \* اسدی، علی، ولی‌پور، هاشم (۱۳۹۴). بررسی نقش بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سهام بر رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- \* اصغری آق‌قلعه، الهام، نجیب مقدم، سعید (۱۳۹۵). طراحی و توسعه مدل مفهومی بهبود عملکرد صنایع در بازار رقابتی با رویکرد تحلیل عاملی؛ بررسی تأثیر ابعاد به کارگیری مدیریت الکترونیک ارتباط با مشتریان در مدیریت زنجیره تامین، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- \* اعتمادی، حسین، دیبانتی‌دیلمی، زهرا (۱۳۸۸). بررسی آثار فرهنگ سازمانی، مشارکت در بودجه‌بندی و سیستم‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد مدیران، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۳، شماره ۴ (پیاپی ۶۴)، صص ۶۰-۳۵.
- \* باقری، آرمان، محمدی‌نسب، مهدی (۱۳۹۵). بررسی رابطه هوش مالی با سوگیری‌های رفتاری منتخب سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد،

- سهمداران، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، کد مقاله COI124.
- \* حسینی ازان‌اخازی، سید مهدی، پزشکیان، سید علیرضا (۱۳۹۶). بررسی رابطه مدت تصدی حسابرس با کیفیت حسابرسی، مجله دانش حسابرسی، سال ۱۷، شماره ۶۷، صص ۲۶۴-۲۳۵.
- \* خواجوی، شکرالله، قاسمی، میثم (۱۳۸۴). فرضیه بازار کارا و مالی رفتاری، فصلنامه تحقیقات مالی، شماره ۲۰، صص ۴۹-۶۹.
- \* دارابی، رویا، چناری بوکت، حسن، محمودی‌خاتمی، مرجان (۱۳۹۵). تأثیر تخصص در صنعت، دوره تصدی حسابرسی و استقلال حسابرس بر ریزش قیمت سهام، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۸، شماره ۳۲، صص ۱۱۹-۱۳۷.
- \* دارابی، رویا، علیزاده، حمید، علیزاده، ژیلا (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس با توانایی پیش‌بینی سود و رشد شرکت، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دوم، شماره ۸، زمستان ۹۵.
- \* دریائی عباسعلی، عزیزی، اکرم (۱۳۹۷). رابطه اخلاق، تجربه و صلاحیت حرفه‌ای حسابرسان با کیفیت حسابرسی (با توجه به نقش تعدیل‌کننده و شک تردید حرفه‌ای)، پژوهش‌های دانش حسابداری مالی، دوره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۶)، صص ۹۹-۷۹.
- \* دیویی جان (۱۳۴۲). مقدمه‌ای بر فلسفه آموزش و پرورش یا دموکراسی آموزش و پرورش، ترجمه امیرحسین آریان-پور، تبریز، دانشسرای پسران، صص ۹۰-۸۰.
- \* رحمانی‌نیا، احسان، یعقوب نژاد، احمد (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان داخلی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۱۴۵-۱۶۵.
- \* رضوی‌زاده، نفیسه، نونهال نهر، علی اکبر (۱۳۹۵). تأثیر سرمایه فکری و برآیندهای محیطی بر رفتار اخلاقی حسابرسان، اخلاق در علوم و فناوری، تابستان ۱۳۹۵، سال ۱۱، شماره ۲، علمی پژوهشی (ISC)، صص ۱۳۴-۱۲۳.
- \* ریاحی، بلکویی (۲۰۱۳)، تئوری حسابداری، ترجمه علی پارساییان، چاپ اول. تهران: انتشارات ترمه
- \* ساسانی، علیرضا، شریفی‌راد، محمد (۱۳۹۲). کیفیت حسابرسی داخلی، مجله حسابدار رسمی، شماره ۲۱، صص ۶۹ تا ۷۴.
- \* ساسانی، مهران، نعمی، مهدیس (۱۳۸۲). تئوری اخلاقی و تأثیر فشار بودجه زمانی بر رفتار حسابرس مستقل،
- بررسی حسابداری و حسابرسی، مجله دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه تهران، سال ۱۰، شماره ۳۲، تابستان ۸۲، صص ۶۱-۴۳.
- \* سپاسی، سحر، کاظم‌پور، مرتضی (۱۳۹۴). تأثیر وجود کمیته حسابرسی و وجود حسابرسی داخلی بر هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابرسان داخلی، خرداد ۱۳۹۴، شماره ۵۰ و ۶، صص ۶۱-۷۴.
- \* سجادی، سید حسین، فرازمنده، حسن، قربانی، صادق (۱۳۹۱). تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی، مجله پیشرفته‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صفحه‌های ۱۰۹-۸۱.
- \* سرلک، نرگس (۱۳۸۷). اخلاق حسابداری، اخلاق در علوم و فناوری، سال ۳، شماره ۱، صص ۷۱-۸۲.
- \* شعاعی‌فرد، زهرا، دوستار، محمد (۱۳۹۳). بررسی تأثیر هوش مالی بر ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران با تعدیلگری ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنها در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه گیلان.
- \* شفیعی، حسین، انصاری، عبدالمهدی (۱۳۸۸). بررسی تأثیر متغیرهای حسابرسی داخلی بر برنامه حسابرسی، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۸، زمستان ۸۸، صص ۳۴-۲۱.
- \* شفیعی‌رچی، سیروس، ولی‌پور، هاشم، مرادی، جواد (۱۳۹۲). بررسی تأثیر میزان پایبندی به اخلاق و شرایط اخلاقی بر تصمیم‌گیری حسابرسان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- \* صالحی، تابنده (۱۳۹۵)، رابطه اخلاق حرفه‌ای حسابرس و کیفیت حسابرسی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۷۷-۸۶.
- \* صفرزاده، محمدحسین، رفیعی، افسانه (۱۳۹۳). تبیین ارتباط در رقابت بازار محصول و راهبری شرکت، مجله دانش حسابداری، سال ۵، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۳، صص ۴۸-۲۵.
- \* عزیززاده، طاهره (۱۳۸۸). بررسی نقش معیارهای سنجش عملکرد ایجاد ارزش برای شرکت، مجله حسابدار، تیر و مرداد ۱۳۸۸، شماره ۲۰۸ و ۲۰۹، صص ۴۴-۴۹.
- \* فرامرز قراملکی، احد، نوچه فلاح، رستم (۱۳۸۷). موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها، تهران، موسسه فرهنگی

- دین پژوهی بشر.
- \* فیض آبادی، فرشته، طاهرآبادی، علی اصغر، خیرالهی، فرشید (۱۳۹۶). نقش دیدگاه اخلاقی در تعدیل اثر رهبری اصیل بر رفتارهای ناکارآمد حسابرسان، مجله دانش حسابداری، سال هفدهم، شماره ۶۷، صص ۲۰۹-۱۸۵.
- \* کماندار، زینب، نایب‌زاده، شهناز (۱۳۹۳). بررسی رابطه هوش مالی مدیران بانک‌ها و توانایی آنها در درک مصادیق پول‌شویی مطالعه موردی: مدیران بانک صادرات یزد، اولین کنفرانس ملی جایگاه مدیریت و حسابداری در دنیای نوین کسب و کار، اقتصاد و فرهنگ، علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول.
- \* کیاساکی، رابرت (۱۳۹۰). هوش مالی خود را افزایش دهید، برج سازان جوان، ساحل اندیشه.
- \* مدرس، احمد، بیداری، محمدعلی (۱۳۹۰). بررسی نقش ارزش افزوده حسابداری داخلی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، دوره ۴ شماره ۱۱، صص ۷۱-۶۵.
- \* ملازاده، محمد، لاری دشت‌بیاض، محمود، ساعی، محمدجواد (۱۳۹۵). تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۸، شماره ۳۰، تابستان ۹۵، صص ۵۹-۳۷.
- \* میلادیان حسین، ضیایی‌پور، امیر (۱۳۹۵). تأثیر هوش هیجانی و سواد مالی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، دومین همایش سراسری مباحث کلیدی در علوم مدیریت و حسابداری، گرگان.
- \* نیک‌بخت، محمدرضا، گنجی میرزایی، احمد، حسینی غنچه، سید جلال الدین (۱۳۹۵). بررسی تأثیر شاخص‌های حسابداری بر ارزش سهامداران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، سال ۲، شماره ۲، صص ۴۵-۲۵.
- \* نیکومرام، هاشم؛ طالب‌نیا، قدرت‌الله، خسروی‌پور، سمانه (۱۳۹۲). بررسی تأثیر شهرت حسابرس بر رابطه کیفیت اقلام تعهدی و هزینه بدهی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دوم، شماره ششم، صص ۸۷-۷۷.
- \* Abdulaziz Alzeban, David Gwilliam (2014). Factors affecting the internal audit effectiveness: A survey of the Saudi public sector, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 23 (2014) 74-8.
- \* Almenberg, J., & Dreber, A. (2015). Gender, stock market participation and financial literacy. *Economics Letters*, 137, 140-142.
- \* Altman, M. (2012). Implications of behavioural economics for financial literacy and public policy. *The Journal of Socio-Economics*, 41(5), 677-690. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.socec.2012.06.002>
- \* Ahmed A. (2010). Ethics in auditing and ethical studies in different accounting bodies. Available at: <http://ssrn.com/author=1447219>.
- \* Arel, B., R., G. Brody R.G., and Pany K. (2005). Audit firm rotation and audit quality. *The CPA Journal*, vol.75, no.1; 36-39.
- \* Bacidore, J. M. Boquist, J. A. Milbourn, T. T. & Thakor, A. V. (1997). The search for the Best Financial Performance Measure, *Financial Analysts Journal*, PP: 11-20.
- \* Bandyopadhyay S. P. , CH. Chen, & Y. Yu, (2014). Mandatory Audit Partner Rotation, Audit Market Concentration, and Audit Quality: Evidence from China, *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, Volume 30(1): 18-31.
- \* Baotham S, Ussahawanitchakit P. (2009). Audit independence, quality, and credibility: effects on reputation and sustainable success of CPAs in Thailand. *International Journal of Business Research*; 9(1):1-25.
- \* Berman, K., & Knight, J. (2013). *Financial Intelligence, Revised Edition: A Manager's Guide to Knowing What the Numbers Really Mean*. Harvard Business Review Press.
- \* Becker, C.L., M.L., DeFond, J., Jiambalvo and K.R., Subramanyam, (1998). "The effect of audit quality on earnings management", *Contemporary Accounting Research*, 15(1) : 124
- \* Beyer, A. & Guttman. I. (2012). Voluntary disclosure, manipulation and real effects. available online at: <http://ssrn.com/abstract=1647808>
- \* Bouhawia M, Gugus I, Zaki B. (2015). The effect of working experience, integrity, competence, and organizational commitment on audit quality. *IOSR Journal of Economics and Finance*; 6(4):60-67.
- \* Bowlin, K., Hobson, J.L & Piercey, M.D. (2014). The Effect of Auditor Rotation, Professional Skepticism, and Interactions with Manager on Audit Quality. Retrieved from <http://www.ssrn.com>
- \* Campbell, J., (2006), "Household finance", *Journal of Finance*, (61): 1553-1604.
- \* Catanach, A., & P. Walker. (1999). «The international debate over mandatory auditor rotation: A conceptual research framework». *Journal of International Accounting, Auditing & Taxation* 8: 43-66.
- \* Chen, K.Y., K., Lin and J., Zhou, (2005). "Audit quality and earnings management for Taiwan IPO firms", *Managerial Auditing Journal*, 20(1): 86-104.
- \* Chen, C.-Y., Lin, H.-J., & Lin, Y.-C. (2008). Audit partner tenure, audit firm tenure, and discretionary accruals: Does long auditor tenure impair earnings quality? *Contemporary Accounting Research*, 25: 15-45.
- \* Choi, J. H., Kim, C., Kim, J. -B., & Zang, Y. (2015). Audit office size, audit quality, and audit pricing. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29 (1): 73-97.
- \* Chung H. (2004). Selective Mandatory Auditor Rotation and Audit Quality: an Empirical Investigation of Auditor Designation Policy in Korea. Working paper. Purdue University.



- \* Jiang, F., Zhu, B., and Huang, J. (2013), "CEO's Financial Experience and Earnings Management", *J. of Multi. Fin. Manag.*, 23:134-145.
- \* Joan, Ballantine. , Patricia Mccour (2011). The Impact of Ethical Orientation and Gender on Final Year Undergraduate Auditing Students' Ethical Judgment. *Accounting Education: an international journal* Vol. 20(2): 187-201.
- \* Karen M. Y. Lai. Andriyawan Sasmita. Ferdinand A . Gul. Yee Boon Foo. Marion Hutchinson (2016). Busy Auditors, Ethical Behavior, and Discretionary Accruals Quality in Malaysia, *J Bus Ethics, CrossMark*.
- \* Kamil, Nik Sari, Musa Rosidah, Sahak Siti Zaleha (2014). "Examining the Role of Financial Intelligence Quotient (FiQ) in Explaining Credit Card Usage Behavior: A Conceptual Framework." *Social and Behavioral Sciences* 130: 568-576
- \* Kiyosaki, R. T., Fleming, J., & Kiyosaki, K. (2010). *The Business of the 21st century*. DreamBuilders.
- \* Krishnan, G. (2003). Does big 6 Auditor industry Exoertise Constrain Earnings Management? *Journal of Accounting Horizons*, PP. 1-16.
- \* Kwon Y. , Youngdeok Lim and Roger Simnett. (2014). The Effect of Mandatory Audit Firm Rotation on Audit Quality and Audit Fees: Empirical Evidence from the Korean Audit Market. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* ,33(4); 167-196.
- \* Li, S. Shue, L. & Lee, S. (2008). Business intelligence approach to supporting strategymaking of ISP service management, *Expert Systems with Applications* 35: 739-754.
- \* Li ,Brooks., C.S.Anges Chang.& Kenneth J.Reichel (2013).Audit Board Tenure &Financial Reporting Quality.Avalable in WWW.SSRN.com
- \* Mayer, J.D. (2000), "Spiritual Intelligence or Spiritual Consciousness", *International Journal for the Psychology and Religion*,(10): 47-56.
- \* Matsunaga, S., and Yeung, E. (2008), "Evidence on The Impact of a CEO's Financial Experience on the Quality of the Firm's Financial Reports and Disclosures", University of Oregon, Working Paper
- \* Miller, M., (2009), "The case for financial literacy in developing countries", World Bank Group, Washington, DC
- \* Minutti meza, M. (2013). Does Auditor Industry Specialization Improve Auditing Quality? *Journal of Accounting Research*: 51 (4): 779-817.
- \* Mouna, A., & Anis, J. (2017). Financial literacy in Tunisia: Its determinants and its implications on investment behavior. *Research in International Business and Finance*, 39, 568-577.
- \* Palmrose, Z (1988) "An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality" , *TheAccounting Review* , 64(1): 55-73.
- \* Pei chun feng( petrina). ( 2008), "An empirical study of CPA's moral development, ethical evaluation and ethical intention: a selected group of Taiwanese CPAs", A Dissertation of doctor of philosophy, pp1-179.
- \* Pellinen, A., Törmäkangas, K., Uusitalo, O., & Rajas, A. (2011). Measuring the financial capability of investors: A case of the customers of mutual
- \* Copeland, James. (2005). Ethics as an imperative. *Accounting Horizons*, vol.(19): 35-43.
- \* Craig G. Gunderse. and Steven B. Garasky, (2012), Financial Management Skills Are Associated with Food Insecurity in a Sample of Households with Children in the United States, *The Journal of Nutrition Community and International Nutrition*,pp 1865- 187.
- \* Davidson. R. A. and D. Neu.(1993). "A Note on Association Between Audit Firm Size and Audit Quality". *Contemporary Accounting Research*. 9 (2): 479- 488.17.
- \* Davidson, W., Xie, B., Xu, W. (2004). Market reaction to voluntary announcements of audit committee appointments: The effect of financial expertise. *Journal of Accounting and Public Policy*, 24(2), 206-264
- \* Daugherty B.E., D. Dickins, R.C. Hatfeld, & J.L. Higgs, (2013). Mandatory Audit Partner Rotation: Percep tions of Audit Quality Consequences, *American Accounting Association, Current Issues in Auditing*, 7(1): 30-35.
- \* De Angelo, L. (1981). Audit size and audit quality? *Journal of Accounting and Economic*, 3 (3): 23-26.
- \* Du, J. and Zhou, G. (2014). Big N Auditors and Earnings Response Coefficients – A Comparison Study between the US and China. *China Accounting and Finance Review*, 16(2): 183-201.
- \* Emmanouil, D. (2006). The code of ethics and the development of the auditing profession in Greece. *Accounting Forum*; 30(2): 155-178.
- \* Fernando, Ahmed M. Abdel-Meguid, Randal J. Elder. (2010). audit quality attributes, client size and cost ofcapital". *Review of Accounting and Finance*, 9(4) : 363 – 383.
- \* Forsyth, Donelson. R. (1980). A taxonomy of ethical ideologies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39 : 175-184.
- \* Gardner, H. (2000). *Intelligences Reframed: Multiple Intelligences for the 20 Century*. New York: Basic.
- \* Ghoshal, S. Kim, S. K. (1986). Building effective intelligence systems for competitive advantage, *Sloan Management Review*, 28(1): 49-58.
- \* Gietzman M. B. and Sen P.K. (2002). Improving auditor independence through selected mandatory rotation". *International Journal of Auditing*, no.6;183-210.
- \* Grigion Potrich, A.C. Vieira, K.M. Mendes-Da-Silva, W. (2016),"Development of a financial literacy model for university students", *Management Research Review*, 39(3).
- \* Ho, L.C.J., Liu, C.S., & Schaefer, T. (2010). Audit tenure and earnings surprise management. *Review of Accounting and Finance*, 9(2): 116-138.
- \* Iman Sarwok&, Sukrisno Agoesb (2014). An empirical analysis of auditors industry specialization, auditors independence and audit procedures on audit quality, Evidence from Indonesia. *International Conference on Accounting. Procedia – Social and Behavioral Sciences* 164:271-281.

Prediction Models", Journal of Accounting Research, Vol 24(supplement):59-82..

- \* Zureigat, Q. M (2011). "The Effect of Ownership Structure on Audit Quality: Evidence from Jordan" International Journal of Business and Social Science. 2(10) : 38-47.

funds in Finland. International Journal of Bank Marketing, 29(2): 107-133.

- \* Pizzini, M. , S. Lin, M. Vargus, and D. Ziegenfuss. (2015). The impact of internal audit function quality and contribution on audit delays. AUDITING: A Journal of Practice & Theory, Vol. 34. PP. 25-58.
- \* Putnam Hilary. Ethics without Ontology. U.S.A 2005.
- \* Roussy, M. (2013). Internal auditors' roles: From watchdogs to helpers and protectors of the top manager. Critical Perspectives on Accounting, 24:562.
- \* Safari gerayli, M., Momeniyanesari, A. and Ma'atoofi, A. R. (2011). Impact of Audit Quality on Earnings Management: Evidence from Iran, International Research Journal of Finance and Economics, No. 66: 77-84.
- \* Schauer, Paul C. (2002). The Effects of Industry Specialization on Audit Quality: An Examination Using Bid-Ask Spreads. Journal of Accounting and Finance Research. 10(1).76-86.
- \* Sinnett, W (2004). Are there good reasons for auditor rotation? Financial Executive, 20(1): 29-32.
- \* Sternberg, R. J. (1997). Thinking styles. New York Cambridge university press.
- \* Tervo, Wayne and Smith, Murphy and Pitman, Marshall K.(2013), Dysfunctional Auditor Behavior: The Effects of Tone at the Top and Supervisors' Relationships, Research on Professional Responsibility and Ethics in Accounting, Forthcoming. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2327832>
- \* Thompson, RM. (2013). A conceptual framework of potential conflicts with the role of the internal auditor in enterprise risk management. Accounting and Finance Research; 2:65.
- \* Titman, S. B, Trueman. (1986). "Information Quality and the Valuation of New Issues". Journal of Accounting Research. Vol 26:127-132.
- \* Teoh, S. H. and T. J., Wong. (1993). 'Perceived auditor quality and the earnings response coefficient', The Accounting Review, 68(2): 346-366.
- \* Wong-On-Wing, Bernard and Lui, Gladie. (2013) Beyond Cultural Values: An Implicit Theory Approach to Cross-Cultural Research in Accounting Ethics, Behavioural Research in Accounting, 25(1): 15-36
- \* VanRoosij, M. and Lusardi, A., (2011). "Financial literacy and stock market participation", Journal of Financial Economics, 101:449-472
- \* Yahel Ma aaym. (2016). "The Internal Audits as a Source of Ethical Behavior, Efficiency and Effectiveness in Work Units.", j Bus Ethics 137: 347-363.
- \* Zahmatkesh, & Rezazadeh, j. (2017). The effect of auditor features on audit quality. 5(2): 79-8.
- \* Zengin, Yasemin. Serdar, Ozkan. (2010). audit quality and earnings management in interim financial reports. [www.ssm.com](http://www.ssm.com).
- \* Zmijewski, M.E. (1984), "Methodological Issues Related to the Estimation of Financial Distress

## یادداشت‌ها

- <sup>1</sup> Behavioral Finance
- <sup>2</sup> Bacidore et al
- <sup>3</sup> Gunderse and Garasky
- <sup>4</sup> Beyer, A. & Guttman
- <sup>5</sup> DeAnjelo
- <sup>6</sup> VanRoosij, M. and Lusardi
- <sup>7</sup> Miller
- <sup>8</sup> Kamil et al
- <sup>9</sup> Campbell et al
- <sup>10</sup> Grigion Potrich
- <sup>11</sup> Altman
- <sup>12</sup> Davidson et al
- <sup>13</sup> Gardner
- <sup>14</sup> Mayer
- <sup>15</sup> Sternberg
- <sup>16</sup> Pellinen et al
- <sup>17</sup> Almenberg, J., & Dreber
- <sup>18</sup> Berman, K., & Knight
- <sup>19</sup> Kiyosaki
- <sup>20</sup> Ghoshal, S and Kim, S. K
- <sup>21</sup> Lusardi
- <sup>22</sup> Li et al
- <sup>23</sup> Charismatic
- <sup>24</sup> Mouna, A., & Anis
- <sup>25</sup> Zureigat
- <sup>26</sup> Titman and Trueman
- <sup>27</sup> Davidson and Neu
- <sup>28</sup> Schauer
- <sup>29</sup> Palmrose
- <sup>30</sup> Max
- <sup>31</sup> Riahi Belkoy
- <sup>32</sup> Idealism
- <sup>33</sup> Relativism
- <sup>34</sup> Ballantine & Mccourt
- <sup>35</sup> Forsyth
- <sup>36</sup> Putnam
- <sup>37</sup> Copeland
- <sup>38</sup> petrina
- <sup>39</sup> Audit Failure
- <sup>40</sup> Enron
- <sup>41</sup> Worldcom
- <sup>42</sup> Adelphi
- <sup>43</sup> Wong & Lui
- <sup>44</sup> Safari gerayli et al
- <sup>45</sup> Bouhawia et al
- <sup>46</sup> Minutti
- <sup>47</sup> Teoh and Wong
- <sup>48</sup> Becker et al
- <sup>49</sup> Chen et al
- <sup>50</sup> Catanach, A., & P. Walker
- <sup>51</sup> Du, J. and Zhou
- <sup>52</sup> Krishnan
- <sup>53</sup> Fernando et al
- <sup>54</sup> Choi et al
- <sup>55</sup> Mishael et al
- <sup>56</sup> Baotham
- <sup>57</sup> Bandyopadhyay et al
- <sup>58</sup> Gietzman M. B. and Sen P.K

- <sup>59</sup> The Sarbanes–Oxley
- <sup>60</sup> Sinnet
- <sup>61</sup> Chung
- <sup>62</sup> Kwon et al
- <sup>63</sup> Arel
- <sup>64</sup> Ho and et al
- <sup>65</sup> Zengin and Ozkan
- <sup>66</sup> Daugherty et al
- <sup>67</sup> Thompson,
- <sup>68</sup> Roussy
- <sup>69</sup> Almenberg and Widmark
- <sup>70</sup> Bowli et al
- <sup>71</sup> Pizzini et al
- <sup>72</sup> Tervo et al
- <sup>73</sup> Jiang, F.,Zhu, B., and Huang, J
- <sup>74</sup> Sukrisno and Iman
- <sup>75</sup> Lai et al
- <sup>76</sup> Matsunaga and Yeung
- <sup>77</sup> Cronbach's Alpha
- <sup>78</sup> Return On Investment
- <sup>79</sup> Abdulaziz
- <sup>80</sup> Zmijewski
- <sup>81</sup> Dicky Fuller
- <sup>82</sup> White test
- <sup>83</sup> Variance Inflation Factor
- <sup>84</sup> Jarque-Bera
- <sup>85</sup> Durbin\_Watson